

روز آذربایجان، بهمن جوانی (غلام کشاورز) از اعضای پرتلاش حزب کمونیست ایران، توسط رژیم خمینی در فیرس ترور شد. ما این اقدام جنایت - کارانه رژیم خمینی را محکوم نموده و شهادت این شهید مبارز را به همسر و دیگر اعضای خانواده او و همچنین به رفقایش در "حزب کمونیست ایران" تسلیت می‌گوئیم.

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

آرگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

دوره چهارم - سال ششم ۶۳
اول مهرماه ۶۸ شماره

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

پاسخ مسئول شورای ملی مقاومت به سئوالات "مدای مجاهد"

درباره تشکیل کابینه رفسنجانی و چشم انداز آینده رژیم

آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران و فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی روز چهارشنبه ۸ شهریور طی مصاحبه‌ای به سئوالات رادیو صدای مجاهد درباره کابینه رفسنجانی و تأیید کلیه اعضای این کابینه از سوی مجلس ارتجاع پاسخ گفت. وی در این مصاحبه اعلام کرد قبل از اینکه تابستان به پایان برسد، با خانمہ نایبهای کابینہ وحدت و با تکمیل جریان تقسیم مناصب سیاسی پس از مرگ خمینی، از آنجا که سازش بین جناح‌های متخاصم محقق نشده و نخواهد شد، چشم انداز آینده رژیم دیگر به وضوح ترسیم گردیده است. دسروز از مجلس ارتجاع دولتی بیرون آمد که تمایل سرمایه‌داری وابسته، به سردمداری رفسنجانی، زمام آنرا به دست گرفته است. و بدین ترتیب مبارزاتی که در داخل رژیم راه حل قانونی و سیاسی نیافته‌اند، از این پس ناگزیر به صورت خصامات قهرآمیز و درگیری‌های خونین بروز خواهند کرد. برآستی که فرصت چندانی برای این بیکناتوری خون آلوده تروریستی و مذهبی - در نهایت آن - باقی نمانده است.

مسئول شورای ملی مقاومت در پاسخ به این سوال که تأیید کابینه ندگین ۲۸ مزه‌ادی توسط مجلس را، که از فضا با رای چشمگیری صورت گرفته است، چگونه تفسیر می‌کنید؟ گفت: دبروز در تاریخچه رژیم خمینی روز بسیار مهمی بود و فضا آن چشم انداز آینده باندهای آخوندی حاکم به نحو تعیین کننده‌ای مشخص شد. یعنی باند رفسنجانی و شرکا، به عنوان نمایل سرمایه داری وابسته با قلمه سیاسی سراسر مترجمین قشری و مادیون سرمایه‌داری موسوم به "خط امام" - چشم انداز سازش بین جناح‌های متخاصم را که برای حفظ بقایای رژیم خمینی بسیار ضروری بود، کاملاً مدققی کرد. به این ترتیب "ماه عمل" وحدت پس از مرگ خمینی دیگر به پایان رسیده و رفسنجانی از فردا باید در انتظار بحران‌ها و توفان‌های مختلف باشد، توفان‌هایی که بمباد رژیم را به باد خواهد داد. از این نظر رای دبروز نمایندگان مجلس ارتجاع را باید به عنوان یکی از آخرین نمایش‌های وحدت و تحملی آنها، البته به بهای لگد زدن به کور خمینی و سربردن خشتش در زیر پای رفسنجانی و تمایل وابستگی محسوب نمود، تعابیلی که برای قلمه کردن قدرت راهی جز حذف و قیای خط امامی نیافته است. اما این حذف خیر از شقه شدن رژیمی می‌دهد که تا خمینی زنده بود چسبندگی و تعادل جناح‌های مختلف آن را با هزار و یکدالگری حفظ می‌کرد. ولی حالا درص ۲

تقسیم قدرت و توان جدید قوا

و سپس با خط و نشان کشیدن برای مخالفین کابینه، شریه "حزب الله" را خنثی نمود. این البته در کارزار تبلیغاتی باندهای مختلف رژیم انعکاس یافت و روزنامه اطلاعات (بظور مسلم در مشورت با رفسنجانی) مقاله جنجال برانگیزی از "سعیدی سیرو" جانی "به چاپ رساند تا "خط امام" را به صحنه نبرد بکشاند که سرنوشت آن مسلمان در شرایط و اوضاع و احوال گمونی به سود رفسنجانی تمام خواهد شد. در مورد این مقاله که با پاسخ‌های تند روزنامه‌های گنجان، کیهان، هوی، ایران مواجه شد، از طرف رفسنجانی و شرکا، با سکوت برگزار شد و بدین ترتیب رفسنجانی آمادگی پیدا می‌کرد تا برای به کریه نشاندن وزرا، تحملی خود، "خط امام" را بیشتر در تنگنا قرار داده و برای این باند وضعیتی به وجود آورد که به همین حد که به آنان داده شد قناعت کند. رفسنجانی در توضیح ترکیب کابینه‌اش و اینکه تلاش بسیار برای راضی کردن همهی باندهای درون رژیم انجام داده و چندان موفق نبوده، در جلسه روز ۲ شهریور مجلس ارتجاع می‌گوید: "همچنین سه جریان عمده مجلس در این مورد نظر دادند. البته جریان سوم در مجلس وجود دارد. ر خود را جهان سوم معرفی می‌کند. ۰۰۰ مجموعه مشورت‌ها به صورت دو لیست درص ۶

سرانجام در فضای اختناق آمیز و با انواع حیلها و زیرکدهای اخوندی، تقسیم قدرت میان باندهای مختلف هرم آخوندهای ولایت فقیهی صورت گرفت. کوشش‌های آخوند رفسنجانی برای یک سوره کردن مساله قدرت سیاسی، بدون نتیجه ماند و عناصر تشکیل دهنده هرم بدون سر و ولایت قلمه در تعادل جدیدی قدرت را میان خود تقسیم کردند. شریه ای که "حزب الله" از نوشیدن زهر توسط "روح الله" دریافت کرده بود، اثرات خود را پس از مرگ خمینی بیشتر نشان داد و باند ارتجایی "خط امام" در تقسیم جدید قدرت، باز هم مواضع بیشتری را به سود جناح رفسنجانی از دست داد. رفسنجانی این وضعیت را در مراسم تحلیف خود در مجلس ارتجاع بدین گونه شرح می‌دهد: "به هر حال شرایط با گذشته به کلی یسرق کرده است و می‌شود بیشتر کار کرد و نیاز به آن دارد که همکاران ما خیلی جتنی داشته‌اند کفش‌ها را بالا بکشند و حرکت کنند. کسانی که به هر دلیل مسروزی هستند، میدان کار برایشان باز است." (رادیو رژیم ۶۸/۵/۲۵)

در مقابل این حرف‌های رفسنجانی جناح مسوم به "خط امام" در مجلس ارتجاع با اضا، یک نامه ۱۴ نفری خواستار ابقاء محتشمی در پست وزیر کشور شدند. اما رفسنجانی بلافاصله با معرفی کابینه خود،

نبرد خلق در آغاز ششمین سال

شریه نبرد خلق با انتشار شمت و سومین شماره، وارد ششمین سال حیات خود می‌شود. شریه نبرد خلق بمتابه یک نشریه سیاسی - تبلیغی در سالی که گذشت، همچون سال‌های گذشته در راستای اهداف خود پیش رفته است. نبرد خلق که اهداف خود را تبلیغ مشی سیاسی سازمان حول دموکراسی و آزادی، بیان مواضع سازمان در مسوورد مسائل و حوادث سیاسی جاری در میهنمان و همچنین دفاع از صلح و انشاء ممتد جنایات رژیم و سیاست‌های سرکوبگرانه آن و بر ملا نمودن تضادهای درونی رژیم درص ۲

اخبار و رویدادها...

- آزادی دکتر علاء الدین توران
- در باره ترور بهمن جوانی
- درباره ترور صدیق کمانگر
- کمیسیون فرعی حقوق بشر ملل متحد طی قطعنامه‌ای از نقض حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی کرد.
- "ملت بیروت" نقل از رادیو مسکو
- قصاب اوین رئیس کل زندان‌های اوین می‌شود
- حمایت ۱۸۶ تن از اعضای کنگره امریکا از مقاومت ایران
- برگزاری نهمین کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهه
- آقای مسعود رجوی از کنفرانس سران عم تهمه
خواستار اخراج رژیم تروریستی خمینی از این جنبش می‌شود.
در صفحات ۱۳ و ۱۴

دو کلمه از مادر عروس

منوچهر هزار خانی
درص ۵

- دستگیری گسترده خانواده‌های زندانیان سیاسی در گورستان بهشت زهرا

درص ۱۱

دربند خمینی

در صفحه ۱۰

هر چه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

پاسخ مسئول شورای ملی مقاومت به سئوالات "مدای مجاهد" درباره تشکیل کابینه رفسنجانی و چشم انداز آینده رژیم

از ص ۱

رژیم خمینی بدون خمینی، ناگزیر در معرض یک شقه درونی واقع شده که به اعمال قهر نیز راه خواهد برد. حقیقت این است که بدنه دیکتاتوری خون آشام تروریستی و مذهبی خمینی اساساً از باندهای مرتجع قشری موسوم به "خط امام" و "حزب الله" ساخته شده است که با شکلهای ضد امپریالیستی و مستضعف گرایانه و با شعارهای "مردود انقلاب" و "جنگ جنگ تا پیروزی" تمایلات قرون وسطایی و مادون سرمایه داری را حمل می‌کردند. همین قشریون خط امامی قوه محرکه و نیروی جنگنده رژیم خمینی را تشکیل می‌دادند و فی الواقع رژیم در تسامیت خود مال آنها و متعلق به آنها بود. خمینی اساساً بسف انکار، به همین نیرو بود که ۱۰ سال حکومت کرد و آنچه‌آنکه خودش بارها گفته بود، فی المثل اگر سپاه یا بسیج نبود، رژیم هم نیست و نابود می‌شود. وقتی که دجال می‌گفت: کاش من هم یک بسیجی بودم، به صراحت لبم خود را از لبش همین عناصر در بقای حکومتش نشان می‌داد.

اما رفسنجانی که بارزترین خمیمه او فرصت طلبی است و موجودیت و قدرتش را هم در اسباب مدیون همین قشریون خط امامی است و خودش هم سال‌ها به عنوان یک زبیرال عامه دار، زمام امور جبهه‌های جنگ را در دست داشته و مفتضحانه و پشت سرهم شکست خورده و کشتی خط امام و حزب الله را در جبهه‌های جنگ به گل نشانده است؛ حالا آمده و باز هم به این بیچاره‌ها از روبرو و از پشت خنجر می‌زند تا بپوزشان را در میدان سیاست خوب به خاک بمالد تا دیگر غلط نکنند که به یاد حرف‌ها و کارها و شعارهای امامشان در باره استکبار و جنگ و استضعاف بیفتند. به این ترتیب رفسنجانی با زدن بند و شلخت و تطمیع کارش را پیش برد و در مجلس ارتجاع، همچنانکه گفتید، عده زیادی را هم با خودش همراه کرده، در نتیجه همان وزیر دادگستری، یعنی آخوندی که در مجلس ارتجاع اقصاء کردند که از همکاران ساواک شاه بوده، و همان وزیر آموزش و پرورش که، خودشان در مجلس گفتند، به آمریکایی بودن خود افتخار هم می‌کرده است، رای آوردند و سر خر براد سوار شدند. جالب است که در همین محیط های مجلس به رفسنجانی گفتند که آقا تقریباً تمامی کسانی که تو آورده‌ای، به استثنای یک نفر که اندک سابقه مختصر زندانی در زمان شاه دارد، بقیه در حکومت طاغوت در منتهای رفاه و آرامش و به دور از هرگونه درگیری و گرفتاری دنبال کار و زندگی و مسائل شخصی شان بوده‌اند و برخی از آنها تا سال ۶۱ در بنگه دنیا درس می‌خوانده‌اند! همچنین به رفسنجانی گفتند که آقا این توجه‌های تو بعضاً سیاسی نیستند، اما رفسنجانی گفت اشکال ندارد، تنها نخواهد خودم سیاسی هستم. یکی هم به او گفته بود که مگر هیات دولت مسئولیت مشترک سیاسی ندارد؟ البته به نظر من رفسنجانی راست می‌گوید، چونکه او در میدان سیاست نیز یک آخوند بساز-

و بفروش و مزیدترین فرد در میان آخوند - تاجرهاست. اگر یادتان باشد چند روز پیش در دیدار با سفرا و کارداران رژیم گفته بود که بعد از خمینی نگویید دوره جدیدی شروع شده، دوره جدید نیست بلکه بستر جدید است! البته این را هم راست می‌گویید و منظورش بستر و چارچوب وابستگی است. اما همین آخوند ساز و بفروش، که فکر می‌کند در رنگ عوض کردن و سیاست بازی ختم روزگار است، اکنون با تناقض و حشمتناکی روبروست. از یکطرف چون بعد از مرگ دجال دیگر نمی‌توان اوضاع را هر روز به یک بهانه‌های در حالت قفل و فلج نگه داشت، برای پیش بردن سیاست های خود و جا انداختن خط وابسته‌گرایی مجبور است در تمام سطوح به حذف گسترده قشریون خط امامی مبادرت کند، زیرا بدون خالک کردن آنها قدرت و حاکمیتی نسبی نخواهد شد، شرق و غرب جهان هم می‌دانند که رفسنجانی با رست های با اصطلاح سبانه روانه و نشان دادن اینکه اهل معامله و کنسار آمدن و وابستگی است بارارش رونق گرفته است.

از طرف دیگر کنار گذاشتن شاخه‌ها و عناصر خط امامی، که مورد نظر رفسنجانی است، به مثابه تیشه زدن به ریشه و بنیادهای رژیم ولایت فقیه و تپه کردن آن از عنصر کیفی و جنگنده است. بنابراین وضعیت رفسنجانی مانند کسی است که "بر سر شاخ، بسن می‌برد". البته پس از مرگ خمینی و بعد از شکست در جنگ و خوردن زهر آتش پس چاره‌ای هم جز ایستادن و اگر جز این نکنند رژیم زودتر متلاطمی و سرنگون می‌شود. چونکه بعد از خمینی رژیم صاحب مرده او دیگر آن قدر معامله‌کننده و چاب درونی خود را از دست داده است و خط امام سرمایه داری و گرایش آخوندی - سرمایه داری وابسته به سر نمی‌توانند زیر یک قبا بچنگند و به طور مثال در آمیز در کنار یکدیگر سرگوب و جنگ افروزی و سازاج کنند. ملاحظه می‌کنید که سر سیاسی کنونی رژیم، که در خط وابستگی است، با بدنه نیرویی و سازمانی خود نمی‌خواند و بین این دو تضاد و تخاصم آشفتگی ناپذیری وجود دارد که شقه شدن و اعمال قهر را در تقصیر دارد.

مسئول شورای ملی مقاومت در رابطه با دلائل و زمینه‌های تاریخی و طبقاتی این وضعیت متناقض و بن بست مرگباری که گریبانگیر رفسنجانی و تمامی رژیم است گفت: چنانکه اشاره شد "خط امام" یعنی تمایل مادون سرمایه داری و قرون وسطایی که رژیم خمینی قائم به آن بوده، پس از کنار گذاشتن لیبیرال‌ها از دولت و حاکمیت، در طی سالیان، از نظر سیاسی نیز وجه غالب و دست بالا را داشت. این خط قشری و ضد تاریخی، که در راس توسط ولایت فقیه خمینی رهبری می‌شد، در کنار خود طیفی از مرتجعین سنتی و تجار و سرمایه‌داران وابسته و وابسته‌گرا را، علاوه بر مراجع عصر فتووالی، به همراه داشت. جناح‌ها و باندهای مختلف در خمینی با یکدیگر پیوند می‌خوردند و دو جهش‌سویه ماورا ارتجاعی او را به نمایش می‌گذاشتند که از یکسو سرگوب و جنگ افروزی بود و از سوی دیگر استعمار و تاراج و مال اندوزی در ابعاد نجومی. البته خمینی خوب فهمیده بود که برای حفظ کبان رژیم تنها راه همانا جنگ است، والا زهور رژیمی در خواهد رفت.

اما، خط امام، مادون سرمایه‌داری نهایتاً در جریان جنگ تا چانه در گل نشست و اماش زهر خورد و دیدیم که حتی رفسنجانی، که خودش سال‌ها مسئول اداره جنگ بود و رسماً جانبین فرمانده کل قوا هم شده بود، در این اواخر شروع کرد به خالی کردن زیر پای امامش و گفتن اینکه بله، من از سال ۶۱، بعد از گرفتن خرمشهر، مخالف ادامه جنگ بودم، اما امام گفتند و مردم هم شعار جنگ جنگ تا پیروزی را قبول کردند و در نتیجه ما لقمه بزرگتری از دهان امام برداشتم. اینجا بود که خمینی از کوره در رفت و سبیب و نعره سرداد و با دجالگری خاص خود از خانواده‌های قربانیان جنگ به خاطر حرف‌های رفسنجانی و سایر سرمایه‌داران رژیم معذرت‌ها خواست که ماجرای آن‌را می‌دانید. خمینی به این وسیله گوش رفسنجانی و هیالنگی‌های او را محکم کشید تا دیگر اینطور پشت امامشان را خالی نکنند و به یاد داشته باشند که خودشان هم از بابت جنگ به آلا ف و الوف رسیده‌اند و اگر قرار بر هفت خطی و زیر پاکشی باشد، او از همه آنها خرم‌ترند است. خلاصه وقتی که کشتی خط امام در جبهه‌های جنگ به گل نشست و بپوزهاش به خاک مالیده شد، تمایل آخوندی - سرمایه‌داری وابسته‌گرا، که خمینی برای دهنه زدن به آن هرگاه که لازم بود از عنوان "اسلام آمریکایی" استفاده می‌کرد، بیشتر جان گرفت. با این همه تا وقتی خمینی زنده بود هر روز به یک بهانه اوضاع را در حالت قفل و فلج نگه می‌داشت و مانع پیشروی این تمایل می‌گردید تا تعادل رژیم را حفظ کند. او، برای حفظ رژیم، خط در میان به آنها امتیازاتی می‌داد و توی سرشان می‌زد با برایشان مشور برای می‌نادر می‌کرد. اما بعد از مرگ خمینی این تمایل پیشی گرفت و دست بالا را پیدا کرد. بخصوص که بعد از خمینی دیگر کسی نمی‌توانست جای او را بگیرد و همان تعادل زمان او را به جناح‌های داخل رژیم برقرار کند. یعنی بعد از خمینی زمان نسوبه حساب نهایی بین این دو جناح، به سود خط وابسته‌گرا و به زیان جریان ضد تاریخی مرتجعین شکست خورده خط امامی، فرا رسید. اینجا بود که رفسنجانی، که سمت باد را خوب تشخیص داده و ریشه راهم از قبل آماده کرده بود، بر اساس طینت خودش برده‌ها را کنار زد و سرده‌ها را رسمی و علنی خط وابستگی شد.

بگذریم که خامنه‌ای - ابن آیت الله و ولی فقیه بلد شیه - نیز اساساً آلت دست رفسنجانی است. وانگهی همه می‌دانند که این رفسنجانی، که امروز این چنین لگد به گور خمینی و خط او می‌زند، تا دیروز خط امامی تند و تیز و دو آتش بود. لاید این کارها را از همان امام فرومایه‌اش یاد گرفته است. مسئول شورای ملی مقاومت خاطر نشان کرد که جناح بندی های درونی رژیم ونوسانات و بالا و پایی رفتن های باندهای مختلف، در ماهیت ضد بشری و هویت ضد تاریخی حکومت آخوندی هیچ تغییری ایجاد نمی‌کند. یعنی تا ولایت فقیه سفالیستی و شیطانی ایثان باقی است و تا شعارهای مقاومت عادلانه مردم ایران یعنی شعارهای صلح و آزادی به قوت خود باقی هستند، رژیم در تسامیتش همان آتش است و همان کاسه، و نباید فکر کرد که از مانورهای

اخبار و رویدادها....

از سوی
قرار دارد. پس از ژوئیه ۱۹۸۸، چندین هزار زندانی
سیاسی که اغلب بعنوان ناجانچی مواد مخدر معرفی
گردیده‌اند، اعدام شده‌اند. این قطعنامه از ایران
می‌خواهد ضمن انجام نهایت همکاری با رینالدوگسا-
لیندویل نماینده ویژه سازمان ملل اجازه دهد که
تحقیقات خود را در داخل ایران ادامه دهد و
تسهیلات لازم را برای دیدار او از زندان‌ها و دیگر
مکان‌های نگهداری مجرمین فراهم آورد.

رادبو مسکو در برنامه روز ۲ شهریور خود به زبان
فارسی مقاله‌ای از روزنامه پراودا تحت عنوان "مثلث
ببروت" را قرائت نمود که بخشی از این مقاله به
قران زیر است: "رفسنجانی رئیس کنونی کشور، بیک
سیاست مدار واقع‌بین و مدبر است، وی خود می‌داند
که برای احیای اقتصاد ایران، میلیاردها دلار لازم
خواهد بود. این دلارها را از کجا باید بدست آورد،
واضح است که در غرب و اگر دقیق‌تر بگویم قسبل از
همه امریکا فقط بوش است که با آزاد کردن سپرده-
های مالی ایران در بانک‌های امریکا می‌تواند امکان
گرفتن این سپرده‌ها را از طرف ایران تضمین کند.
برقراری تماس میان امریکا و ایران که دیگر خیالی
خام به نظر نمی‌رسد در دستور روز قرار گرفت. خیلی
زود میانجی گران هم پدید آمدند. الجزایر از طرف
امریکا و پاکستان از طرف ایران. مذاکرات امریکا
و ایران عملاً شروع شده است. ارتباط مستقیم میان
واشنگتن و ایران پس از وقفه طولانی شروع به کنار
کردن برداشتن گام‌ها را در این راه، نقطه می‌توان
استقبال کرد. حال ببینیم نتیجه همه اینها چه خواهد
شد. فکر می‌کنم حالا زود است که در این باره سخن
بگویم ولی یک نقطه عیان و آشکار است و آن این
است که در مثلث ببروت خلق تهران - واشنگتن بنا
تمام پیام‌های نظامی و سیاسی خود، این واقعه
نباید علیه اتحاد شوروی مورد استفاده قرار گیرد."

مجله کل العرب چاپ پاریس در شماره ۳۰ سرداد
جاری خود می‌نویسد: "بنا به اطلاعات ویژه‌ای که
از تهران و مسکو رسیده است پروتکل همکاری نظامی
دو کشور عملاً شامل ناسیس کارخانجات "مونتساز
و ساخت "تالک های (تی ۶۲) روسی در سال جاری
می‌باشد. محورهای دیگر پروتکل شرکت متخصصین
شوروی در مدرن کردن تالک‌های دیگر منجمله (تی ۵۲)
(تی ۵۵) و بازسازی نیروی دریایی ایران که طی
هشت سال جنگ آسیب دیده، می‌باشد."

رادبو بی بی سی در برنامه روز ۱۲ شهریور خود
پیرامون درگیری‌های بین مجاهدین افغان که در پیشاور
پاکستان مستقر هستند، می‌نویسد: "جنگ در ایالت
بیرمند به این واقعیت مرتبط است که در آنجا تریاک
کاری وضعی رو به راه دارد. گفت و صدور تریاک

بیرمند در حوزه اختیار مجاهدین افغان است و در حزب
حرکت و اتحاد اسلامی بر سر داشتن تجارت هروئین
در آن دبار با یکدیگر در حال رقابت اند."

رادبو امریکا در برنامه روز ۱۲ شهریور ۶۸ خود
اعلام نمود که به گزارش خبرگزاری ایران، شوروی
پیشنهاد کرده فنون و تکنولوژی مربوط به هواپیمایی
را در اختیار ایران قرار دهد. گزارش این خبرگزاری
به نقل از یکی از مقامات بلند پایه سازمان
هواپیمایی ایران حاکی است که شوروی‌ها همچنین
پیشنهاد کرده‌اند هواپیمای مسافربری را برای
فروش و یا اجاره در اختیار دولت ایران قرار دهند."

"قصاب اوین" رئیس کل زندان‌های کشور می‌شود
روز گذشته بقایای رژیم خمینی در معنی دارترین
انتصاب خود طی ماههای اخیر، اسدالله لاجوردی
معروف به قصاب اوین را به سمت رئیس کل زندانهای
کشور برگزیدند.

انتصاب لاجوردی که مسئول شکنجه و کشتار
دهها هزار زندانی سیاسی در ایران است، نشان
می‌دهد که بلاهای حاکم برایان برای حفظ حکومت
لوزان خود راهی جز تشدید سرکوب داخلی و تروریسم
خارجی نیافته‌اند. در هفته‌های گذشته نیز افرادی چون
وی شهری، مفتدش، رغسی، رازینی، ویونوسی از
مهمین اصلی اعدام‌های سیاسی در ایران به سمت‌های
کلیدی در قوه قضائیه منصوب شدند.

این انتصابات و تحولات گماشته لاجوردی به
سمت رئیس کل زندان‌های ایران (که در طی
فرضیات سنتی بر سرهگراشی در درون این دستگاه‌های
تروریستی - مذهبی رانیت می‌کند و نشان می‌دهد که
رفسنجانی در وحشت از اوچگیری مقاومت سراسری
افزایش هرچه بیشتر اعدام‌های سیاسی را در دستور
کار دارد.

دفتر مجاهدین خلق ایران - بغداد
۷ سپتامبر ۸۹

اطلاعیه زیر توسط آقای مروین دایملی نماینده
دستکرات کنگره امریکا صادر گشته است.

با استناد به قطعنامه ۲۴ مه پارلمان اروپا، ۱۸۶ تن
از اعضای کنگره از بیکر موکدا می‌خواهند که به
نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کرده، شورای ملی
مقاومت ایران را به رسمیت بشناسد و تحریم
تسلیحاتی و نفتی علیه ایران اعمال کند.

واشنگتن، دی سی، نماینده مروین ام دایملی
(دموکرات - کامپتون - کالیفرنیا) امروز اعلام کرده
که او و ۱۸۵ تن از همکارانش نامه‌ای به وزیر امور
خارجه جیمزبیکر نوشته و از دولت ایالات متحده
موکدا خواسته‌اند که با رژیم تهران محکم برخورد
کند و برای ایجاد نظمی جدید و معقول تر در ایران
"به جای ادامه دادن به جنس و امید برای ظهور
معجزه آمیز مدره از درون باند حاکم فعلی" روی
مردم ایران و جنبش مقاومت آنها حساب کند.
نماینده دایملی گفت: "آنهاشکه به عنوان
مدره شناخته شده‌اند، منجمله هاشمی رفسنجانی،

رئیس جمهور جدید الانخاب، به سیاستهای
سرکوبگرانه خمینی ادامه داده‌اند."

این نامه که توسط ۱۲۱ دموکرات و ۶۵ جمهوری-
خواه امضاء شده است، می‌گوید که "از زمان آنش
بس خلیج تا کنون، هزاران نفر اعدام یا زندانی
و شکنجه شده‌اند. صرف تعداد اعدام‌ها اشتغال
دائمی فکر رژیم به مجاهدین و شاخه نظامی، جاذبه
ارتش آزادیبخش ملی در بین جوانان ایرانی را آشکار
می‌سازد."

این قانون گذاران نوشتند که خمینی که بطور
بهرحمانه‌ای شهروندان خودش را به قتل رساند، بجهت
را به روی میدان‌های مین فرستاد و تلاش کرد
هسایگانش و بقیه دنیا را نور و نهید کند حالا
صحنه را ترک کرده و بقایای رژیمش به نظر می‌رسد
محکوم به سقوط باشند. آنها تاکید نمودند که این
مسئولیت مردم ایران، منجمله مجاهدین، باقی
می‌ماند که تغییر و نظمی جدید را در ایران موجب
شوند.

این اعضای کنگره به قطعنامه ۲۲ مه پارلمان
اروپا که شورای ملی مقاومت به رهبری آقای مسعود
رجوی را به رسمیت شناخت اشاره کردند و نتیجه
گیری نمودند که "تعدادی از قدم‌های عملی که
ایالات متحده ممکن است در این مسیر بردارد شامل
صراحت فراینده در انتقادمان از نقش شدید ابتدائی-
ترین حقوق مردم ایران توسط این رژیم، درجه‌ای از به
رسمیت شناختن شورای ملی مقاومت، ائتلاف سیاسی
شامل ۱۲ عضو که دربرگیرنده مجاهدین به عنوان عضو
اصلی می‌شود، وکار کردن با متحدانمان برای
اعمال یک تحریم تسلیحاتی و بایکوت نفتی علیه
حکمرانان تهران می‌شود."

"قانون گذاران خواهان موضع محکم و سرسخت ایالات
متحده نسبت به ایران می‌شوند"

واشنگتن (آسوشیتدپرس) - نزدیک به ۲۰۰ تن
از اعضای کنگره از وزیر خارجه جیمز بیکر سوم
می‌خواهند که امید دولت بوش برای یک رهبری مدره
در ایران را کنار گذاشته و در عوض گروههای مقاومت
ایران که برای سرنگونی دولت تلاش می‌کنند را به
رسمیت بشناسد.

دیریک نامه که توسط نماینده مروین دایملی،
دموکرات - کالیفرنیا، آغاز گردید این قانون گذاران
همچنین از دولت می‌خواهند که با متحدانش کار کرده
و یک تحریم تسلیحاتی و نفتی علیه ایران اعمال کند.
برزینت بوش لحنی آشتی جویانه در رابطه با
دولت جدید که بدنیال مرگ چندی پیش آیت الله
روح الله خمینی در ایران به قدرت رسید اتخاذ نموده
است. بوش بیاسهایی به رئیس جمهور جدیداً انتخاب
شده ایران هاشمی رفسنجانی فرستاده و گفته است
که با آزاد کردن ۸ آمریکایی نگهداشته شده توسط
تندروهای مورد حمایت ایران در لبنان ایران می‌تواند
به انزوی بین المللی خود خاتمه بخشد.

اما این نامه کنگره، که توسط ۱۲۱ دموکرات و ۶۵
جمهوری خواه امضاء شده است، به دولت علیه
"ادامه حسی و امید برای ظهور معجزه آمیز مدره
از درون باند حاکم فعلی" هشدار داده است.
فرس ۹

نبرد خلق در آغاز ششمین سال

از سال ۱۹۶۱ دفاع از مقاومت انقلابی مردم ایران، قرارداد شده بود به میزانی که توان و امکانات داشت رسالت خود را در این زمینه انجام داده است.

در حیات چندین ساله نبرد خلق هر سال با حوادث و تحولاتی چه در درون رژیم خمینی و چه در مقاومت انقلابی مردم ایران روبه روبرو بوده ایم. مثلاً در سال پنجم حیات نبرد خلق، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و تسن دادن رژیم جنگ طلب به آتش بس، خربه سنگی - عملیات فرود جاویدان به رژیم و همچنین قتل عمام و حشمانه هزارها زندانی سیاسی توسط رژیم خمینی را شاهد بودیم.

در سالی که گذشت مرگ خمینی جلاد در راس مهمترین رویدادهای میهنمان اتفاق افتاد. مرگی که حقیقتاً به میلیون ها انسان شادی بخشید. مرگی که پایه های حکومت لزان ارتجاع قرون وسطایی را سست و بی ریشه تر نمود. و این مرجع حل و فصل مقطعی نژادها و سازش جناح ها قبل از تعیین جانشین خود و وحدت بخشیدن به نوجهایش در لجن فرو رفت.

پرداخته است و با دفاع از پیروزی ها و دستاوردهای مقاومت انقلابی مردم ایران و انعکاس حمایت های جهانی از این مقاومت به این بخش از وظیفه خود عمل نموده است. طی سال گذشته، نبرد خلق با انعکاس برگزاری کنفرانس دوم بخش کردستان سازمان، در آبان ماه ۶۲، و قطعنامه های این کنفرانس در مورد تغییر و تحولات در کردستان و انشعاب حزب دمکرات کردستان ایران و مرجع اخبار فعالیت نیروهای سازمان در نورمیزی، خوانندگان خود را با مسائل کردستان و موضع سازمان در قبال خلق کرد آشنا نمود.

در سالی که گذشت نبرد خلق همچون سال های گذشته در افتاء چهره رفرمیست ها و اپورتونیست ها فعالانه حرکت نمود و مشت آن ها را با برخورد های سیاسی باز کرد و چهره مردم فریب و دروغین آنان را نشان داد.

از طرفی در سالی که گذشت در صحنه جهان شاهد تحولاتی در کشورهای سوسیالیستی و رابطه این کشورها با کشورهای امپریالیستی و جنبش های انقلابی، بوده ایم. نبرد خلق با اختصاص دادن صفحاتی به این امر، با ارائه اسناد و ترجمه ها، چه از دیدگاه های موافق این تحولات و چه از موضع مخالف و درج اخبار این رویدادها به آگاهی خوانندگان نظریه از اوضاع جهانی کمک کرده است. اگر چه ما در مورد تمامی این تحولات موضع مشخصی نگرفته ایم، اما همواره به نکات مثبت و منفی سیاست کشورهای سوسیالیستی و در راس آن اتحاد شوروی به ویژه در مورد ایران پرداخته ایم. بطور نمونه از اینکه اتحاد شوروی قتل عام زندانیان سیاسی را محکوم نمود و از اینکه شورانداده وزیر امور خارجه شوروی در اسفند ماه ۶۲ به تهران سفر کرد و جلاد خلق را در جماران ملاقات کرد و از اینکه رئیسجانبی جنایتکار به حضور گورباچف پذیرفته می شود و ... انتقاد نمودیم و این اقدامات را شیدا محکوم نموده ایم.

یکی از دلایلی که نبرد خلق توانسته است بدون وقفه انتشار یابد، همکاری صمیمانه رفقای سازمان و خوانندگان عزیز در ارسال مقاله، گزارش، ترجمه و خبر و ... می باشد. دست اندرکاران نشریه نبرد خلق از همکاری های تمامی رفقا، دوستان و خوانندگان صمیمانه تشکر می کند. و همچنین امیدواریم کاستی های نبرد خلق را با کمک دوستان و رفقا حل کنیم.

بدون تردید نبرد خلق باید بتواند نقش خود را بمثابة ارگان سازمان، که در جهت مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی و تحقق صلح، دموکراسی و آزادی و سوسیالیسم فعالیت می کند، هر چه فعال تر ایفا نماید. در این زمینه باز هم به همکاری هر چه بیشتر خوانندگان نبرد خلق، دوستان و رفقای فدایی نیاز مندیم.

مسئول نشریه نبرد خلق
زینت میرهاشمی (زهره)
شهریور ۶۸

همانطور که بعد از مرگ این جلاد بودیم و در مقالات نشریه نبرد خلق گزارش به آن اشاره نمودیم، نهادها بر سر ارت و میراث خمینی و بهتر بگوییم تقسیم مجدد قدرت سیاسی، حادثه و جناح ها در عدم حضور خمینی در مقابل هم آشکارا صف آرا می کردند. زیرا اگر خودی نشان ندهند موجودیت خود را از دست خواهند داد و جناح دیگر غالب خواهد شد. رفسنجانی که زمانی می گفت مجلس یلد دست است و وحدت است و همه در خط امامیم، امروز اقرار به وجود دسته بندی و جناح می کند و اینکه برای تشکیل کابینه سعی کرده است از همه جناح ها استفاده کند، و تعارفات را به همکاری تبدیل کند، دم می زند. ما در سالی که گذشت علاوه بر مرگ خمینی با تعیین رهبر تحمیلی و انتخابات نمایشی رئیس جمهوری روپرو بودیم. در تمامی این موارد نبرد خلق تلاش نموده است مواضع سازمان و مقاومت انقلابی را در رابطه با این رویدادها بطور زنده و مشخص نه در چارچوب تحلیل های نامفهوم، بیان کند.

نبرد خلق گذشته از وظایف خود بمثابة ارگان سازمان، همواره به تبلیغ سیاست های شورای ملی مقاومت، بمثابة تنها آلترناتیو دمکراتیک رژیم خمینی

برخی از رویدادهای تاریخی

- ۱۹ مهر ۱۳۵۱ - شهادت ساجد خلق، مهدی محمدی
- در درگیری با مزدوران ساواک شاه
- ۱۸ مهر ۱۳۵۲ - اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز
- ۱۰ مهر ۱۳۵۷ - انتقال خمینی از عراق به کویت و سپس به پاریس
- ۲۶ مهر ۱۳۵۷ - شروع اعتصاب بزرگ کارگری و کارمندی در سراسر کشور و منجمله در پایتگاه نفت شیراز، ساجی بزد، ذوب آهن اصفهان، گمرک چلچا، گمرک بندر شاهپور - معلمان سراسر ایران، پایتنگانه و تاسیسات نفت آبادان، گروه صنعتی بهر - تاسیسات نفت اهواز و نفت خارک
- ۲۲ مهر ۱۳۵۷ - به آتش کشیده شدن مسجد جامع کرمان توسط عمال رژیم شاه
- ۲۲ مهر ۱۳۵۸ - به خون کشیدن میادان بندر اتزلیسی توسط مزدوران رژیم خمینی
- ۵ مهر ۱۳۶۰ - تظاهرات قهرمانانه و مسلحانه سلبشای ساجد خلق با شعار مرگ بر خمینی
- ۷ مهر ۱۳۶۰ - اعلام برنامه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی توسط آقای مسعود رجوی
- ۷ مهر ۱۳۶۰ - به هلاکت رسیدن آخوند سید عبدالکریم هاشمی نژاد، از سران جنایتکار رژیم خمینی از طریق عملیات انتحاری ساجد خلق هادی علویان
- ۲۲ مهر ۱۳۶۱ - به هلاکت رسیدن آخوند اشرفی اصفهانی، امام جمعه جنایت کار کرمانشاه توسط عملیات انتحاری ساجدین خلق
- ۲۷ مهر ۱۳۶۲ - عملیات ماجراجویانه رژیم خمینی سوسوم به والفجر ۴ در جبهه شمالی آغاز و باشکست مفتوحانه رژیم خمینی پایان یافت.
- خارجی:
- ۱۹ اکتبر ۱۹۸۲ - عقب نشینی همراه با شکست سپاه ناپلئون از روسیه آغاز شد. مرجع این عقب نشینی که از سکو به سمت پاریس صورت گرفت بیش از ۳۳۰

- از ص ۱۲
- هزار نفر از نیروهای سپاه ناپلئون به شکل مختلف کشته شدند.
- ۲۴ اکتبر ۱۸۱۴ - تولد اوژن پواتیه کارگر فرانسوی و سراینده سرود کمونیست
- ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ - تشکیل اولین بین الملل کمونیستی به ابتکار کارل مارکس
- ۳ اکتبر ۱۹۴۵ - اعلام موجودیت "فدراسیون سوسیالیستی جهان"
- ۱ اکتبر ۱۹۴۹ - پیروزی انقلاب دموکراتیک خلق چین و اعلام جمهوری دموکراتیک خلق چین
- ۷ اکتبر ۱۹۴۹ - تشکیل جمهوری دموکراتیک آلمان
- ۴ اکتبر ۱۹۵۷ - برتاب نخستین ماهواره جهان (اسپوتنیک) توسط اتحاد شوروی
- ۱ اکتبر ۱۹۶۵ - بنیان گذاری حزب کمونیست کوبا
- ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۵ - کودتای ارتجاعی و خونین ژنرال سوارکو علیه دولت ملی سوکارنو و قتل تمام کمونیست های اندونزی
- ۹ اکتبر ۱۹۶۸ - شهادت انقلابی کبیر، کمونیست برجسته آمریکای لاتین، رفیق ارنستو چه گوارا
- ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۰ - درگذشت جمال عبدالناصر رئیس جمهور فقید مصر
- ۵ اکتبر ۱۹۷۲ - شهادت رفیق میکال انرکز، عضو رهبری جنبش میر در شیلی
- ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۳ - درگذشت پابلونروا شاعر مبارز و آزاده خلق شیلی
- ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۳ - استقلال کینه بیسائو
- ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ - تاسیس جبهه فارابوندمارتینی در السوادور
- ۱۹ اکتبر ۱۹۸۶ - ساموراماتل رئیس جمهور موزامبیک و رهبر جنبش استقلال طلبانه مردم موزامبیک در یک سانحه هوایی مشکوک به قتل رسید.

تصحیح و پوزش
بایورش از خوانندگان عزیز، موارد زیر از شماره ۶۲ نبرد خلق تصحیح می شود.
در ص ۱ استون دوم اطلاعیه شورای ملی مقاومت غلط و اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت صحیح است. در ص ۱۲ استون سوم مباحثه باکاک حسن رستگار در اروپا غلط مباحثه باکاک حسن رستگار در کردستان صحیح است.

دو کلمه از مادر عروس

منوچهر هزارخانی

نامه عده‌ای از نمایندگان کنگره آمریکا به وزیر خارجه‌ی این کشور و پیشنهادی آنها از مقاومت ایران، بالاخره صدای مادر عروس را هم درآورد. بخش فارسی رادیو مسکو در ۲۰ شهریور، تقی‌موسی از ایگور شتونف، پخش کرد که از همه "شوندگان عزیز" برق سه فاز پراند! به قول رادیو مادر عروس "در این نامه پیشنهاد شده است که ایالات متحده آمریکا به اتفاق متحدان خود تحریم کامل ایران را اعلام کنند و مصراغه برای برقراری نظام جدیدی در این کشور تلاش نمایند"، و به عقیده حاج آقا ایگور "مفهوم این دعوت، در حقیقت امر، بازگشت به نظام سابق یعنی به زمان امر و نهی انحصارها و نظامیگراگان [۱] آمریکایی در ایران است". حاج آقا به زبان بی زبانی می‌خواهد بگوید که آمریکاییها از طریق حمایت از مقاومت ایران - و به طور اخص از مجاهدین - قصد دارند رژیم سابق را به کشور ما برگردانند! فعلا این قضیه را تا همین جا داشته باشیم.

حالی که گذشت در میان روزمندان ارتش آزادیبخش، این ماجرا نفل هر محفل و مجلسی شده بود: در میان ایرانی که ارتش آزادیبخش از نیروهای رژیم گرفته بود، مرد روستایی و بی خبر از همه جایی هم وجود داشت که هنوز حالش نشده بود که کی با کی دعوا دارد و چرا دعوا دارد، هنوز نمی‌دانست چرا او را به زور از روستایش بیرون کشیده و به جبهه فرستاده‌اند، و چرا حالا به دست ارتش آزادیبخش اسیر شده است. او، که با این همه سخت تحت تاثیر رفتار انسانی روزمندان پسا اسیران قرار گرفته بود، روزی آنها را این طور دعا کرد: الهی مجاهدین در جنگشان با رژیم پیروز شوند، شاه که از ایران رفته دوباره برگردد و من هم با خیال راحت بروم سر کار سابقم که قاچاق بود!

تفسیر حاج آقا ایگور شباهت فراوانی به دعای آن هموطن روستایی دارد، منتها دعای آن یکی همه را به خنده انداخته بود ولی تفسیر این یکی همه را "ساله دار" کرده است. تجالفاً فقط صدای مجاهد است که در گفتاری کوبنده، "موضع ریاکارانه" مادر عروس را مورد حمله قرار داده و سوابق این حاجیه خانم را در خنجر زدن به "جنبشهای ملی و میهنی مردم ایران، از سردار جنگل گرفته تا مصدق و مقاومت کنونی ایران" به رخ کشیده است. ولی فردا ممکن است صدای همه آنها دیگر هم درآید. چون مثلاً بچه شاه یقین دارد که اگر انحصار وراثت را در مورد "نظام سابق" و "زمان امر و نهی انحصارها" حتی در دادگاههای لیسان مطرح کند، مفسر مربوطه را محکوم خواهد کرد، آخرین نخست وزیر شاه و اولین مضحک قلمی "اپوزیسیون" خارج کشوری هم از کوزه در خواهد رفت و به او پرخاش خواهد کرد که: حاجی، من و ساواکی های دوروبرم سالهاست پیرونده به بنعل، در همه سفارتخانه‌ها و وزارتخانه‌های غربی و اروپایانه درآورده‌ام تا به صاحب کار اصلی حالی کنیم که این مجاهدین سابقه آمریکایی کشی دارند، اینها عامل سروری هستند، شاه به درخواست پادگورنی از کشن

رجوی صرف نظر کرد و یکی از هسبالنگیهای خودم در این مورد استشهاده محلی هم تمام کرد، تازه مگر همین رژیم خمینی نبود که سعادت را به جرم جاسوسی برای شوروی گرفت و اعدام کرد؟ حالا تو آمده ای که با آن تفسیرت همه رنده های مرا پنبه کنی؟

حالا اینها به چه، ولی آخر در "خودی" ها هم ولوله خواهد افتاد. مثلاً نیمه غیر اسلامی حزب توده که بلند گوی مادر عروس است، گله خواهد کرد که اگر قرار است "توده‌ی هتم و در خط امام"، دو باره سرود رسمی سازمانمان بشود، چرا زودتر خبرمان نمی‌کنید که اقلاً شعار مصلحتی "سرنگونی" را از روزنامه‌هایمان جمع کنیم؟ این هم به چه، اما هیچ بعید نیست که سرو صدای کوسه هم از "مراسم سیاسی - عبادی" روز جمعه در بیاید و مادر عروس را سوزش کند که اگر تو می‌دانستی که یتکه دنیایها بسا منافقین کنار آمده‌اند، پس چرا مرا سنگ روی سنج کردی؟ پس چرا می‌خواستی مرا با طیاره ایزفلوت به واشنگتن بفرستی؟ کوسه، وقتی آن روز گشک با لا بیاید، حتی ممکن است اشاری می هم به وزیر شععار کند تا به عنوان اخطار، یک بار هم که شده جمعیت را به دادن شعار از بد افتاده مرکز مادر عروس وا دارد.

خلاصه تفسیر "مارکسیست - اسلامی" حاج آقا ایگور چنان غوغایی به راه خواهد انداخت که دیگر هویت به ما نمی‌رسد تا از او بپرسیم: شما که برای "مبارزه ضد امپریالیستی" این همه سینه به تنور می‌چسبانید، چرا در افغانستان - که شدانگه درقباله خودتان بود - آن را ادامه ندادید؟ چرا در آن جا برای کنار آمدن با "شیطان بزرگ" و همایش عجله و اصرار دارید و برای "بازگشت یک نظم و ارزش کهنه" حتی از پادشاه سابق منت می‌کشید، اما برای ما نسخه می‌نویسد که تسلط یک ناند و حقیقی و وجنایت کار بر میهنمان را به عنوان داروی "ضد امپریالیستی" قورت بدهیم و به به هم بگوییم؟

تازه این همه تشریح فقط از بابت یک جمله از تفسیر حاج آقا ایگور به با می‌خورد. وای به این کسه بخواند به بقیه اش هم بپردازند. "منابع موثق و مستقل" بعید نمی‌دانند که این تفسیر، علاوه بر برانگیختن موجهای اعتراض، مورد تفسیرها و تحلیل‌های گوناگونی هم قرار بگیرد: اهل سیاست خواهند کوشید تا روشن کنند که این فرمایشات بر حکم بازگشت به همان دید استالینی از ماهیت شمس امپریالیستی امیر افغان است یا باید آن را از مواز غلانسویت شمرد که نشانه‌های موجود را گاه به صورت سیاست یک بام و دو هوا جلوه می‌دهد. "فضای حوزه" به نوبه خود زور خواهند زد تا بفهمند آیا این اظهار نظر از اثرات نامه حضرت امام به گوزباچف است یا نه، از برگات "مذاکرات سازنده" و فسنجالی در سفرش به مسکو است؟ آنها می‌هم که نقش تروسلوک - هلمس را بازی می‌کنند و هر رویداد سیاسی را با دید پلیسی می‌نگرند، ممکن است به این نتیجه برسند که حاج آقا ایگور عامل نفوذی رسالتی ها در دستگاه مادر عروس است، چون اظهار نظرش با سال آنها اصلاً مو نمی‌زند. اما پس از همه این تحلیل ها و تفسیرها، باز هم معلوم نخواهد شد که این "رفقا" بالاخره رفیق شیرند یا رفیق شکارچی!

تفسیری از رادیو مسکو

"بازگشت سیاست نواستعماری به ایران"

تفسیری تحت عنوان "بازگشت سیاست نواستعماری به ایران" از رادیو مسکو ۲۰ شهریور: "مجلس شورای اسلامی ایران يك دل و جان ناسامی را که ۱۸۶ تن از نمایندگان کنگره آمریکا بمنسوبان جیمز بیکر وزیر امور خارجه آمریکا فرستاده‌اند محکوم ساخت. در این نامه پیشنهاد شده است که ایالات متحده آمریکا به اتفاق متحدان خود تحریم کامل ایران را اعلام کند و مصراغه برای برقراری نظام جدیدی در این کشور تلاش نماید. مفسر ما ایگور شتونف ضمن تفسیری در این زمینه می‌نویسد: در باره نظام جدید معینی که نمایندگان کنگره آمریکا به برقراری آن در ایران دعوت می‌کنند باید گفت، مفهوم این دعوت در حقیقت امر، بازگشت به نظام سابق یعنی به زمان امر و نهی انحصارها و نظامیگراگان آمریکایی در ایران است. در دوران قبل از پیروزی انقلاب سال ۱۹۷۹ در ایران، نفت که ثروت عمده کشور را تشکیل می‌دهد در دست به اصطلاح کنسرسیوم بین المللی نفت یعنی عملاً در دست انحصارهای آمریکایی بود. پای ایران به پیمان تجاوزکار سنتو کشانده شده بود و حدود ۲۰ هزار تن مستشار نظامی در ارتش ایران حکم روا می‌می‌کردند. انقلاب شد امپریالیستی و ضد سلطنت که نه سال پیش در ایران به وقوع پیوست به این وقع خاتمه داد. ایران قرارداد خود با کنسرسیوم را ملغی ساخت. از عضویت سنتو خارج شد و راپوزان نظامی آمریکایی را از کشورش بیرون راند. جمهوری ایران که به جای سلطنت بوجود آمد قدم به راه پیشرفت مستقل گذاشت. نمایندگان کنگره آمریکا که اکنون با سرخشی تمام برای سرقراری مجدد نظام و ترکیب کهنه‌های در ایران تلاش می‌کنند به اعمال فشار به ایران و محاصره اقتصادی آن فرا می‌خوانند. البته همه اینها برای جمهوری اسلامی ایران به هیچوجه تازگی ندارد. واشنگتن در نخستین سال موجودیت این جمهوری سعی کرد نقشه محاصره آنرا عملی سازد. متحدان ایالات متحده آمریکا نیز مجازات های اقتصادی در مورد ایران قابل شمند. ولی جمهوری نوپای ایران از راه انعقاد قرارداد در بازه ترازیت کالا از خاک شوروی و گسترش همکاری اقتصادی و بازرگانی خود با کشورهای سوسیالیستی و دیگر مسائل دنیا نقشه محاصره را عقیم گذاشت. سیر حوادث نشان داده است که در عصر کنونی هر کشوری که راه پیشرفت مستقل را در پیش گیرد می‌تواند در برابر تحکم نیروهای امپریالیستی در صحنه بین المللی ایستادگی کند. تلاش آمریکا برای ایجاد فشار نظامی به ایران نیز با شکست مواجه گردید. پیاده شدن یک دسته کماندوهای آمریکایی در ناحیه شهر طبرس در ماه آوریل سال ۱۹۸۰ می‌بایست مقدمه‌ای برای انجام کودتایی در ایران و روی کار آمدن یک دولت باب طبع واشنگتن در این کشور باشد. ولی این عملیات ماجراجویانه در بند امر شکست خورد. دسته کماندوهای آمریکایی مجبور شد با مجله خاک ایران را ترک گوید. با وجود این ایالات متحده آمریکا همچنان به اجرای سیاست خود معنی بر اعمال فشار نظامی و اقتصادی به ایران ادامه

تقسیم قدرت وتوان جدید قوا

در آمده که این دو لیست جهت شیری های کاملاً مشخصی داشتند . کسانی که خلاقند به یک جریان هستند ، حتما از لیست و زری معرفی شده راضی نیستند ولی از رئیس جمهور نباید توقع داشت که فقط به یک جهت توجه کند . " اکبهان رژیم ۶۸/۶۵) و سپس در مورد اینکه نتوانسته یک ارتشی باسپاهی برای وزارت دفاع معرفی کند حرف میزند و به حقیقت سهمی اعتراف می کند و می گوید : " علاقمند بودم یک نفر نظامی - ارتشی با سپاهی - متصدی این کار باشم ولی به آن هدف نرسیدم . تفاهم بین سپاه و ارتشی مشکل بود و از این لحاظ مناسف هستم که یک قهرود نظامی برای این کار نداریم . " (هفتجا) .

ترکیب کابینه رفسنجانی ، کاملاً به ضرر " خط دوم" است .

موضوعه ۷

آموزش نیروها و به زندگی همسال پیش برگرداند . صیل دریا دیده هرگز بر سر نگردد به جویی . کسی که با مشتین لباسشویی و جاروی برقی و سفر هوایی آشنا شده معال است به گذشته برگردد ، و به فرض معال اگر هم برگردد رجعتی به دودام است و البته غریبانه . دنیا عوض شده است و مردم را نیروها از طلب زندگی مرفه بازداشت .

اگر بر اثر تندروی هایی که لازمه هرفانگش است ، آمریکای و اما جانبیکتره ، چراغ سبزی در مسیر مشتین جنگی صدام روشن نگردد بود و مساله جنگ می حاصل شود خامنوسوز پیش نباشد بود و با سادماندیشی های این جنگ شوم به انتها رسیده ادامه نیافته بود ، و ما موفق شده بودیم ناخبر سپاه و امکانات فراوانمان را به جای خرید و سایر جنگی دست دوم و سوم صرف ایجاد صنایع کیم و نیروی متحد کارآمدان و ادراغ و کارخانه ها به تولید و ادراغ و ادراغ ویا استفاده از نعمات حیدرآبادی خودمان را از خرید چند قم جس آمریکایی می نیاز گردانیم ، در مبارزه با آمریکا موفقیتی یافته بودیم . فریاد ، فریاد !

استفاد فرمائید . همه ایرانیان مسلمان آرزو مندند که پرچم پرافتخار اسلام برگردد گیتی به اهتزاز آید ، همهما از کفر جهانی بیزاریم . منتها بین واقعت نامل طالب هم توجه داریم که هرگز برای راهی دارد و از آن مهیتر هرگز خطر ظلمی را باید قدم با قدم انجام داد .

وقتی حکومت اسلامی می تواند شبکه جهان و انگیزه اسلامی خواهی جهانی شود که ببیند ملت ایران در راه آنجایی گزیده و بهتدات و اعدایت رفاه رسیده است و فقر فسادآفرین سایه شومش را از سر جامعه واگرفته و از نداد برودندهای جنایی در محاکم عدلیه گشته شدو از اینها بالاتر روح ساهل و مدارا و مردمی قضای عدالت را روشن کرده است . آری تا استکچین حکومت و جنس کشوری می تواند اعتماد ستوایی جهان شود و جهانمان را در پس خود بگذارد . مردم در سالان اخذ ما در راه گامزدادیم و در اخصه عالی زمینگن شمامه (۱۰)

روح عمومی ملت ایران به تجربه درازت است که لازمه هرگاه و اندلی خودی است . آنگاه در حال و روزگار ساه ایران را پیش چشم دارد و به حکم طریقت مسلمانان خودی خود را از زبان به انقلاب گردانید است . و به یقین در این راه است که باید راه را از سر بردارد . اما برآورد ساهل و عدالت را که خط و بی خط را در راه را به هر حال انظوری در پیشگاه خودی است .

شود فروش به جان اعمیه بودند و متعاده فر وغیره سگرتهاهی روسا و موبتلهای آتش غضب درجانشان افروخته بود . هسجو مردمی چه مخالفت با حکومت عمل و تقوای اسلامی می توانستند داشته باشند ؟

حکومت متکی بر مروتی است .

اکثریت مردم ایران دوران لیاه سلطه ایستاد و صیان آفرین آمریکارابه خاطر دارند ، و رای لایبرال مجلس متوسس را که با تصویب قانون استعاری دکامیونسوزی ، خدیبه فلان گروهیان آمریکایی را از شاه مملکتشان برت شد . آری آن گشتشوم فراموش کردی لیست و اگر هم باشد ، بدین زودبیا لیست . این ملت از جان و دل با نود و سیله آمریکا مخالفت ، با این از سالها تجربه های زبان شیرین ، با این واقعت ایز آشنا شده است که راه مبارزه با سلطه آمریکا مست گره کردن و شتر شدن نیست .

آمریکا کشوری سرمایه داری است . در ظاهر مایه داری همه فوقتینان ارقام مالی خلاصه می شود . سرمایه دار طفا پولپرست است و مردم پولپرست به ورا حربه لغافل اخلاقی و مقامات اجتماعی را با پول می مستخدم و معاوضه می کنند ، بحث در کمی وزبانی قنسطاست . در ظاهر مایه آزوئی ره سرمایه دار این است که آدمیزاده عیبی صاحب مکتبی پیدا شود و او را در معرض بدترین شتابها قراردهد تا بتواند بهادگاه شکارت پرد و غرامت رساند . آدمیزاده پولپرست آرزو می کند پدر و مادر و فرزندش به جای آن که در بسز آرامتی بپرند ، با شته بسا گلهوای گشته شوند ، به شرط آن که قاتل مال و مکتبی داشته باشد تا خونبای گرامت نصیبش شود . حکومت سرمایه داری نیز چنین حالت و خاصیتی دارد . او از خدا می خواهد سه چهار نفری از آبتیش را به عنوان گروهان بگیرد تا با قیظالی سنجیده و حساب شده آنکرا عوممی جهان را متوجه مظلومیت خود کند و بیانه ای برای تجاوز و خاك دگرگان به دست آورد . سادماندیشی تسلط آری است اگر مقدمه جینی های آفای میوش و فریمان دهد که از گروگانها جواب راحت ندارد . در مملکتی که روزی صلحا تر یا لیق چاقوی باجگیران میسایه بوست در حثبه خیابانها به خاك و خون می رنطند و با امکانات فراوان به فکر چاره نیست ، گرفتاری سه چهار نفر آدمیزاده معدودی چه موج عصبانی می تواند برگرداند ؟ آه و فغانی که حکومت آمریکا برای نجات گروگانهایش سر داده است ، مرا به یاد صحنه ای می اندازد که بارها در جامدهای مملکت شاهدش بودیم : کسانی که همه مشران در حوای شهرها ، بیچاره و خونی بندگی کسانیکه همه مشران منحصربه تولید می کنند ، به هیچ اعتنای بهتدیه و پرورش آیدندشان در خاك و خاشاک می روند و نالیبا سلطه آستانه چاره را از زمین بازی عوممی می گیرند . این بیچاره ها به طبیعت رها شده در حال غایق به بدو مادر شخصی

اظهارات نکته آینده ، تصمیمات مهم و بالاخره آنچه باید بدانیم

از : سعیدی سرچانی

تلقی دیروز آقای هاشمی رفسنجانی مرا تکان داد و بین دلم در بسیاری از جملات خاموشی زنده یا به خاموشی کشیده هسجو آری داشته است . ضمن سخنرانی صبا برخاسته این مرد خوشمند کوری در گوش و با زده من چنان تائیری کرد که خاموشی را آنگاه دانستم و امیدوارم اکثریت خاموشی که از ساد و حثت خیزدیم آریامپری و نجیبا برداند و در اشتیاق استقرار حکومت عدلله اسلامی تلف و قدم زده اند و در سالیانی اخیر با مشاهده تندرویهای بر حاصل تلفی و روزنامه های نخستین حثرت میروند ، مسر مکتوب نشکنند و به تأیید حرف حق برخیزند از هر حلقه ای که باشد .

اکثریت قاطع ملت ایران به حکم علق ستر و تربیت خاوادگی دلبسته حکومتی اخلاقی و اسلامی است ، حق کافل لغزانی که شصتا مرتکب حرف و بیجوری می شوند و اخیانای تمی به خرمه میزند ، اگر به کدو کار اعتقاد صمیرشان بر دنازیه ، برینیم ترجیح می دهند که زمام کار و حکومتشان در دست صاحب تقوای گریزان از گناهی باشد گذر دست می خواره زبانه متجاهر به فقر . همین فرآ به سراغ طفقترین پدر و مادرهای داریه بروید و برینمید دانان می خواهد فرزندتان در مدرسه ای تربیت شود با سواطه قوی اخلاقی و تربیت دور از رای دینی با زبر دست علمی هوسبیزه و آلوده تا ببیند چگونه صفای فطری و رسوبات ذهنش بر هوای نفسانی غلبه می کند .

نود درصد مردمی که به کوچ و وخیانای ریختندو حکومت آریامپری را سرنگون کردند ، کسانی بودند که از قضاوتش هر شیراز و جلوه های زشتی پیکارگان احساساتی نیست امروز از برکت منابع سرشار طبیعی و درآمدهای بی حساب آری ، بهترین مشرهای مکتور و خوشمندان مشر ایران جان دینداری در حثت این خون عظمی ترسند . در جنگ با چنین دشمنی بی اثرترین سلاحها حرکات احساساتی و نمایشات عاطفی است .

ملی می تواند بدینترین لطفا را بر نظام سرمایه داری آمریکا وارد آورد ، که با طرح لغتای سنجیده و برنامه ای بخردند خود را از خریداری محصولات و مصنوعاتش بی نیاز کند . چرا هسجو غضب چنان برده خونین بر مقابل چشمان ما ملت سنجیده کشیده است ، که متوجه علق جهان نیستیم و ندیده مغزداریکه برگشته نشان می بینند ، هنگامی که می بینند همراه فریاد مریک بر آمریکای ما سونوهای دود سیگار و نیشون در فضا می رسند ، وانی که می بینند ما داعیه مبارزه با آمریکا داریم و قسمت صده مایه ماچمان از اجناس آمریکایی تاین می شود ، انهم تابه صورت مستقیم و با ترخی متبادل ، که با انواع دلارها و قیض چند برابر معمول .

مردانم هنوز سجونگران بر جوش و خروش هستند که با ششین این واقعت خون در سرشان خواهد جوشید که سباید و محصولات آمریکایی را تحریم کنیم . کاری که بارها و سالها شعارش را دادیم و عملی شد و در بسیاری موارد هم عملی نبود ، که دنیا عرصه واقعات است نه صحنه احساسات شاپرانه ؛ مردم را در جهان به هیوسته

نبا اضر آقای هاشمی ، چون در این روزها لغتای گرا از این ذات مکتبی را به آینه مملکت اعتماد کرد ، و سایر ایالات

این حساب که نوبه بیان داروسد ، شان بداد و مدبرانه ، در تراسی همه ، نشانای هرگاه که برکتها از آشفته بلنوی می رسدند و آنجا چاره ای را بدین قطعاً خواهد نخواست . شست . اگر قرار شد تلفی مکرر آید و مات ایران به شایر و عدالت از نعمات مملکت بهره گزید ، تقلیف کسانیکه در چند سال اخیر به متاویب مختلف دغا بیگان و صدها تالیرون و دجمل و فریزر گرفته و به ده برابر قیمت فروخته اند ، چیست ؟ مگر سبزی از آمد روزی ده هزار و صدهزار تومان است که به راحتی بتوان از آن صرف نظر کرد .

اگر قرار شد از تخصص و علم خوشامان پاکیزه دامانی استفاده کنیم که از بی نمودن امنیت جانی وطن گرفته و در منحصرتین موسسات علمی جهان به خدمت مشغولند ، تکلیف کسانیکه به هیچ صنایعت و نقل و قسطنی بر مناصب علمی و تخصصی مملکت پنجه انداختند ، چیست ؟

اگر قرار شد بنا را بر صحت اعمال بگذاریم و به حکم حثت کرامت انسانی از تجاوز به حریم مردم خودداری کنیم ، تکلیف دزدان و جانبیکترانی که با چهل عنوان در لباس صابان و معاونان بعضی نهادها به خانه مردم میروند و با تسکجه اهل خانه به انبار می بردند ، بر آنکه صاحب خانه جرات شکایتی داشته باشد ، چیست ؟

اگر قرار شد مملکت با خریداری و اعتدال اداره شود و باز گزین بودیمهای اطمینان جوش و خروش مردم را فروشانند ، تکلیف جماعت صنعتی کما اموال الهه مشروع خویش با سنا گنهای نستان دیرینه ایران در خارج از سررها سالمهات با مبارزه ایشه تلفی بردارند و با امواج رادیویی شبانه روزی دهمار حکومترا ساقط کرده اند ، و اکنون با نظر آن نشسته اند تا مردی به خنص خودد و حثرت سوزیر امواج احساسات سروریه قدرتی فرمایند و سایه الیامبارگشان را بر فرق امثال بندبیرجای مانده بگسترانند ، چیست ؟

و از اینها بیرون تر و خطرناکتر جماعتی هستند که در پیش از آزوئی در قضاوت مملکت بی شته دلارها دامنای و بصلو سس چهل تومان رسانند و با هسجو به انبارها و معازها قسم اعظم تقبیه را تبدیل به اجناس ضروری کردند ، و از تصمیم سریع و فخرانه خبرگان آتش بهجان و سرمایه تمان افاده است ، باشند سخنان آقای هاشمی داع نوبیدیشان مازظن شده است . اینان قطعاً آرام نخواهند نشست ، به مبارزه خواهند آمد ، آیم مبارزای خطرناک و ناچوا نمرانده . همین فرادست که با ورتن اندک نسیم آزادی ، گلیمزدهان فرومایه را بسج کند و با شتر ورق باردهای لیریزانانرا طم نسوکرسی آزادی را به ملت بچشانند ، همین فرادست که تعدادی فواض لگوری و دامندار اجیر کنند و با لاس های جلف و بزیکهای نفرت آور در کوجه و خیابان رها سازند و متعاقب آن فریاد واقعا و ولانوسا بردارند ، همین فرادست که ابلهانی را به عرکات خلاف اسلام و اخلاق بکشاند تا بتوانند با شیون و اسلما و وانالابا ، به بردمادی از دست رفته خود برسند .

اینها ، همه قابل پیش بینی است و خداکند ملت مسلمان و هوشمند ایران متوجه این واقعتا باشد . باری ، سخنان اذیل برامده هاشمی در جامه تحریف بدل من نشست ، و از آن مهیتر آخرین جمله اش برنامه ای کمرای معرفی وزیران به مجلس نوشته بود و نامی از اعتنای مایران برده بود . بعد از سالها می دیدم زمامدار بسوئی به کمر محدوده مسئولیتش اقدامات می خواهد عمل از برداختن به اوج افلاک وضع خانه اش را سر و سامانی دهد .

تقسیم قدرت

را مطرح و به ثواب چشمک وچ...
میزند. مصاحبه تهران تایمز با " رجائی خراسانی"
و " علی محمد بشارتی" سرو صدای زیادی به راه
می اندازد. کمیسیون امور خارجی مجلس اسلام
می کند که مصاحبه رجائی خراسانی با تهران تایمز
نظرات شخصی او بوده و به کمیسیون مربوط نیست.
رجائی از وزارت امور خارجه خواسته بود که سه
" مردانه" عمل کرده و در ایجاد روابط با عربستان
سعودی سریعاً عمل نماید. بشارتی نیز از روابط غیر
" مستقیم" با آمریکا برده برداشته و گفته است که
به سمت ایجاد روابط با غرب باید پیش رفت. کیهان
هوایی در شماره ۸۲۵ (چهارشنبه ۲۲ شهریور ۶۸) به
این تلاش ها و اظهار نظرات پاسخ می دهد که باز هم
روشن کنند. حقایق بسیار است. " حزب الله" مجبور
است هر روز در زمینه های با " اسلام آمریکایی" کسه
اکنون در پوست و فستجانی کاملاً جا گرفته، مبارزه
کند. " حزب الله" و " خط امام" در تقسیم جدید
قدرت، با مواضع کلیدی از دست داد اما در بدنه
رژیم بخصوص در ارگان های سرگوب جای خود را دارد.
بدون این نیروی سرگوبگر، البته رفسنجانی هیچ
کاری نمی تواند انجام دهد. اما با وجود چنین نیرو
نیز همه کارها فلج است. " حزب الله" قرار می شود
بمیرد و سازش نپذیرد. اکنون که خمینی مرده است
در مقابل چمتان " حزب الله" سازش و بند و بست
شروع شده و بسیار هم پیش رفته است. رفسنجانی
می خواهد از طریق " تسرکز" هرچه بیشتر قدرت در
دست خود، " مشکل" لاینحل حکومت را " حل" کند.
اما رفسنجانی خود با مشکلات بیشتری برای اینگونه
" متمرکز" کردن روبروست. او وقتی مجبور می شود
از جانشین فرمانده کل قوا کنار برود، وقتی مجبور
می شود موسوی (نخست وزیر سابق) را به مشاورت
خود برگزیند، وقتی مجبور می شود عطا اللله
مبارزانی را بسمت معاونت خود در امور حقوقی
برگزیند، و وقتی مجبور است به مجیز گوئی " حزب
الله" بپردازد، معلوم است که نمی تواند کارها را
به راحتی پیش ببرد. بنحازه " حزب الهی" ها که
از نیرویی در اریکه قدرت و وزن غالب به نیرویی
مزاحم تبدیل شده و اکنون تنها و تنها برای سرگوب
و جنگ احتمالی به وجود آنان نیاز است. " پاپرهنه ها"
و " کتک خورده ها" اکنون توسری خور همه می شوند.
اما این برای رفسنجانی هیچ مشکلی را حل نخواهد
کرد. نضادها باز هم شدت می یابند و رویدادهای ساز
هم حادثی در چشم انداز است. در نوازان جدید قوا
هیچ مساله اصلی حکومت " حل" نخواهد شد. این
" توازن" آستن حوادث حادی خواهد بود. بخصوص
که این بار هم در لحظه مهم، مقاومت انقلابی مردم
ایران در حوادث جاری مداخله جدی نمود. انتشار
به موقع نامه ۱۸۶ تن از نمایندگان کنگره آمریکا، در
شرایطی که رژیم بسی محاسبات با بارداشت است.
علا، الدن توران روی مناسبات با آمریکا می کند،
تمامی حوادث را در این باره تحت الشعاع قرار داد.
مخالفتان رفسنجانی در مرون حکومت از نامرئسه
نمایندگان کنگره آمریکا یک چماق ساخته و بر سر
رفسنجانی فرود می آورند و رفسنجانی در فکر حیل های

کیهان - سه شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۶۸

سخان لغاتیده بیرجند
دوین سخنران قبل از دستور جده غنی امروز مجلس
ایوالحن حائریزاده لغاتیده بیرجند بود.
وی سخنان خود را خطاب به حضرت امام قسمره
آغاز کرد و گفت: بعد از تو ای پسر ای امام امیر ای
مولا و ای رهبر چنان پیش ما ندیم که هنوز آبگن تو
خشک شده به آبرویمان نمانده، آبرویی که از رای است
سدان و انقلاب اسلامی و رهبری تو یافته بودم، کتابها
و تجزیه ها و یادگاره ها آنجا که در جلسه عزای امام و
عزای شهدای لایتر یکی از سخنان جنین حجتیه در شب
هفت تیرماه در جمع مردم شهر مرا شد مولای می خواند
و فرمود دشمن مولا و من فرام مدت از ترس تشبیه
مخالف حتی در جلمات عزای تو در شهر خویش توانستم
خبر کنم. پدر رهبر بیم ما ندیم، تو روحالفه موسوی
برگ که رفتن موسوی های خط تو نیز یکی یکی از گروه
کار و سیاست و فتاوت خارج شدند. تو با ما تو چشم
میرگیری و هر زمان که جایی و طبعی از اسباب نظر
عاشقی نامی اما بعد از تو با فروتنی شجاعت گویی یاد
مند و جناح که لقب خاص به آنها داشتی از چشمه بی طا
اندازه اند. ستر یکی از مانات گرامی مورث تائیده تو حرکت
به زیارت حضرت رضا صرف استقبال های گرم از او می شد،
و این ماه حرم که به مشهد مشرف شد حتی از اموال وقف
امام و زوار جایی در اختیار او نگذاشتند.
تائیده بیرجند افزود: اماما پدر و رهبر او تو از غرو
غنه سخنان آل محمد سبب زورده آمریکایی چلینگار خون چگر
از دنیا رفتی، فریاد پیام حق تو هنوز انقلاب خرمه ما همه
در برهان زمان و عرفان شهید زائر خانه خدا هنوز برام
کند سخن انداز است. نور خدا زمان و مردان ملتزم احرام
بسته زائر که هنوز بر اطراف حرم جاری است و بعضی ها
چشمان تو را میور دیدم، و سبب از آتش و ماهی سببایی
یا از خود فانی فانی می کنند و ما آب زرمی را که او با
نام و زور خویش آورده مانده بود با شکرایی بر زمین
رسمیم و آبرو یابیم و آبرون جسی ما را در خون
کیم حرم و بی شوقی می کند تا از بهشت انقلاب اسلامی
بماند. ای موسوی، این وسوسه های شیطان در پشت
الغی که در سینه تیراند، امامه کرد: استیکار
در حسان نیروی تو هم گدوما و جوامع محروم در دهنه
انقلابی مخالف به یکی از کشورهای زور و زور و زور
میرگانی و سبب همه راههای ایران، بر سر بند و سوسه های
پن استارید و آم و شان را چنین می کند وقتی سفروان
در مانه استارید، بعد کشش تافته با شکر امام پرگ
است. دران ممانه در ضرورت باید خواب و راحت برود
درام باشد تا با شانه و سبب رفت در ریز و امه سبب سبب
بیدار و راه برسد. کار مجلس است بطبعی و مشورت کنیم
و بعضی تشبیه و استعارات را از نپرداخته نامی تا گمان
بدری به کار دولت منحرف شود و با این برنامه بنیانه کسر
نمود. تاریخ حساسترین روزهای سرنوشت سازهای آئینه
را می گوییم. توجه داشته باشیم اکثریت قوی کشور های که
استقامتی کرده اند به گرفتاری های بزرگ افتادند. به گزارش
کارشناس برنامه بودجه و اقتصاداری و کتب و مقالات علمی
کارشناسان بر این پایه رفت فرمائید. در صورت ضرورت خاص
مدیریت قوی قانون گذاری دقیق و لایق و نظارت های مستی و
خطاب شده در داخل از ضروری های ویژه سرمایه گذاری خارجی
است. اعتراض برای چه، از کدام چگونه و برای چه و برای
تائیده بیرجند در پایان گفت: موضوع به سه مقاله منقد
مبارزانی، موسوی، زینان کشیده، مبارز و فرزند انقلاب است
که چند خطای وزارت خارجه در جلسه غنی آنگاه داشت
کارتی کوتاه فکران نگردد نظر بنشینم طوماری طبعی و بی در
بند پرده مانده این طومار غلط است. وقتی رهبر
گرامی وزارت محترم جمهوری مردم بزرگوار از پستهای
مجلسی اظهار رضایت کرده اند این خبر و شمرها چه گمانی
عند که قد می کنند تا حقوق جنگوی را از قفا ببرند.
آزادگی این مجلس و این حکومت و آزادی و عدالت پستی ما به
عاشقی غم بنده و آزادی زائر موعار ببینید.

کیهان

چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۶۸
۵ مهر ۱۴۱۰
۶ سپتامبر ۱۹۸۹ - شماره ۶۳

اولین سخنران پیش از
دستور جلسه مجلس امروز
مجلس شورای اسلامی، علی
سوسای، موسوی تائیده ساوه
بود. او در پاسخ به تسلیق
دیروز تائیده بیرجند گفت: در
جلسه قبل یکی از نمایندگان
تحت لواء ایگان امام، ضده
های پندی و بیضه سبایی
پرو خورده خود را بصورت
بدر حالی از کتبه بر پشت
پرده سیاسی آزادی که پس
از لغتیش شکوهت مردم در
یاد امام و حضور در انتخابات
بوجود آمده بود تائیده تا
طایفه برخی از استعارات را
کند و او و پانسی بر سایه
درخت اشراق بنشیند به
حیات سیاسی انگیزه خود
انابه نهاد. کتابخانه این
موضوع را به صراحت اقرا
و اشراق کرده اند که افکار
حیات سیاسی ما در وسوسه
اعمال است.
این فرد کسی است که پس
از پیروزی در انتخابات
اعمال اشراق سخنی را
انجمنی شرح می دهد که
دیده های جزئیات طبعی در
نهادن در گروه شده و هر
کدام از فردی دفاع کردند
و عن از میان این اشراق
برائتم به سخنان نظر سوم
زای بیارود.
وزن افزوده و توفیق آن
مجلس کردن جسی صحنه
اگر مردم آنگاه یک تشنه به
مفکران نمایندگان استوارش
کردند این ساله را به ایجاد
مقتان صبر می کند و دنیاه
حرف آه تائیده سخنی را
می گویند که پس از اسما
انظار ساخت کرد. آنها فکر
بازمان رسته که در بند ۱۱
میشوی هم با احزاب از
ارزش های انقلاب بانوک قلم
رهر علماشان با رنگ جبهه
تپش به فریدی نه که برای
فرار مجبور گردید چادر به
مکند.
فاز حسن بفر اخیر اسما
سوسای به گفتاری غیر
متعهدانه به وی اعلام شد که
تسا هم اکنون صبر و استقامت
مفکر صحنه، و ایگان امام
مردم سفیان و انقلابی ایران
از رهبر گرفته به افراد گام
حربا شوی از کتبه وحدت
جامعه اظهار رضایت می کند
آیا بر ندانم نعمتوم اشراق
غیر از نگران بودن از این
وحدت بوجه دیگری وارد
و دل موعا بنشینم.
سوسای آنگاه ایانه داد و
رفانی مواضع این افراد به
بند تحریک سبب و از
کنترل شان خارج می شود که
در دوره اول مجلس وقتسی
دولت وقت و لیرالها در
حال معوط بودند و پاپنکه
آخرین نور....
در این لحظه به دستور رئیس
مجلس میکروون تائیده ساوه
به دلیل عدم توجه به مقررات
وی در خصوص انام وقت،
اقطع شد.

رفسنجانی در شرایطی که نامه ۱۸۶ تن از
نمایندگان کنگره آمریکا، صبر او را کاملاً به هم
ریخته و در رژیم سردرگمی جدیدی ایجاد کرده،
نوعه جنگ طلبانه سر می دهد تا شاید از این مخمصه
نجات یابد. می گویند این روزها در ایران هر کسی
(حتی جناح های داخل رژیم) که علیه " آمریکا" شعار
می دهد به او می گویند چرا به " رفسنجانی" توهین
می کنی. رفسنجانی درس شبادی را در مکتب خمینی
آموخته و می گوشت تا با عوامفریبی از این بحران
خارج شود. اما او بقیمان این را بهتر از هر کسی
در صفحه ۹

است که بتواند از این وضع خارج شود. رفسنجانی
چاره را در زوزه های جنگ طلبانه می یابد و در روز ۲۶
شهریور جاری در مجمع بزرگ فرمانده سپاه پاسداران
از سراسر کشور می گوید: " ما در مذاکرات هم همان
استقامت دوران جنگ را خواهیم داشت و اگر ایمن
مذاکره ده سال هم طول بکشد یا حتی منجر به جنگ
هم بشود، حاضر نیستیم از یک وجب خاک کشور
اسلامی خود دست برداریم و دشمن را تا آنجایی که
قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر تعیین کرده عقب می زنیم
و اگر خود عقب نشینی نکند، تحقیقاً با زور آنها را
بیرون خواهیم کرد." (رادنیو رژیم ۶۸/۶/۲۶)

اخبار و رویدادها ...

از صفحه ۳

آن گفت " آنهاست که بعنوان مدرسه شناسایی شده‌اند، منجمله ... رفسنجانی ... سیاستهای سرکوب گروانه خمینی را ادامه داده‌اند " این قانون گذاران گفتند این گماکان مسئولیت مردم ایران، منجمله گروه آیزویسمون مجاهدین خلق ایران، باقی می‌ماند که " در ایران تغییر و نظم جدیدی ایجاد کنند "

برگزاری نهمین کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد نهمین کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد از ۱۳ شهریور امسال آغاز به کار کرد و در اولین ساعات بانام روز ۱۷ شهریور بکار خود پایان داد. در این نشست که منجمله حسنی مبارک، دانیل اورنگسا، معمرقذافی، ملک حسین، گاندی، نجیب الله، ارشاد، بن جدید، احمد الصباح، سورهانو، یاسر عرفات، سام نجوما و دبیر کل ملل متحد از جمله ۱۰۲ هیئت شرکت کننده بودند، از طرف رژیم خمینی و لایتنسی

حرکت نمود

کنفرانس با توجه به اینکه اکنون جهان در دوران جنگ سرد بین دو قدرت بزرگ جهانی نیست، خواستار تغییر روش مقابله شد. کنفرانس در مورد جنگ ایران و عراق خواستار اجرای قطعنامه ۵۹۸ شد. در مورد افغانستان، کنفرانس درخواست کرد که کلیه طرفین درگیر جهت تشکیل یک دولت چند جانبه که نماینده کلیه اقشار ملت افغانستان باشد به مذاکره بپردازند. اکثریت شرکت کنندگان در کنفرانس با الهام از مذاکراتی که بین شرق و غرب جریان دارد، خواستار " حرکت بسوی عمل‌گرایی سیاسی " و آغاز حرکت " جدیدی " در حرکت کشورهای غیر متعهد شدند .

۹۰ هزار زندانی سیاسی که بیش از ۱۲۰۰۰ نفر آنها ظرف چند ماه پس از پذیرش اجباری قطعنامه ۵۹۸ صورت گرفته، به تداوم این اعدام‌ها در سال جاری و بخصوص پس از مرگ خمینی اشاره کرد، و گفت: رژیم خمینی ظرف سال جاری با خلق آویز و سنگسار کردن ۱۱۰۸ تن در ملا، عام با اتهاماتی نظیر شرکت در قاچاق مواد مخدر و اعلام رسمی آنها وهمچنین اعدام صدها زندانی سیاسی ظرف هفته‌های اخیر هدفی جز ارعاب توده‌های مردم ایران ندارد .

مسئول شورای ملی مقاومت افزود: حقیقت اینست که موجودیت دیکتاتوری خمینی چه در گذشته و چه در حال و آینده بدون جنگ و صدور تروریسم و سرکوب مطلقه سرپا نمی‌ماند و این رژیم بدون خمینی همچون رژیم شاه بدون شاه حکوم به سقوط است. متقابلاً امروز مقاومت عادلانه مردم ایران با اتکاء به بازوی نظامی و بی‌اقتدار خود یعنی ارتش آزادیبخش ملی ایران، خود را بیش از هر زمان دیگر برای استقرار صلح و دموکراسی در ایران اسیر آماده می‌یابد .

آقای رجوی با ذکر اهداف و برنامه شورای ملی مقاومت ایران گفت: پس از سقوط رژیم خمینی، یک دولت موقت اداره امور را حداکثر به مدت شش ماه بعهده می‌گیرد که وظیفه اصلی اش برکسازاری انتخابات مجلس موسسان و قانون گذاری ملی و انتقال حاکمیت به نمایندگان منتخب مردم می‌باشد این شورا به بنیاده جهانی حقوق بشر و میثاقهای بین المللی پایبند خواهد بود و اصول حسن همجواری و عدم دخالت در امور دیگر کشورها را محترم خواهد شمرد و بر عدم تعهد در زمینه سیاست خارجی تاکید می‌کند .

از صفحه ۱۱

پاسخ مسئول شورای ملی مقاومت به سئوالات " صدای مجاهد " درباره تشکیل کابینه رفسنجانی و چشم انداز آینده رژیم

از صفحه ۲
ملی ایران وجود ندارد و نخواهد داشت، بنابراین بدست آوردن مناصب کلیدی و پست های درجه اول سیاسی توسط باند رفسنجانی و تمایل وابستگیهای سرمایه داری به چارچوب رژیم و لایت فقیه، فیل از هر چیز چشم انداز موفقیت این رژیم را تعیین می‌کند. پس نباید با شبهه سازهای ساده انگارانه و ساده اندیشانه علائم مزبور را با تلاطم استحاله پذیری یکی گرفت، و الا امر مشتبه می‌شود و " محکمت " مربوط به ماهیت و هویت رژیم رنگ می‌بازد، به خصوص که منافع ارنجانی و استعماری در مشتبه کردن امور و تشبیه سازی مزبور برکسی پوشیده نیست. وانگهی تا خود خمینی بود در جهت استحاله رژیمش کمترین قدمی نمی‌توانست بردارد، زیرا بر آثار و نتایج آن وابسته است آخر به کجا خواهد انجامید، به خوبی واقف بود. چه رسد به بقایای در مانده او که میدان عملشان در این زمینه کیفی محدودتر است. واقعیت اینست که استحاله پذیری این رژیم متوط به تغییرات کیفی حول دوشاخه صلح (یعنی امضاء قرارداد صلح پایدار) و آزادی (به معنی برجیدن بنطاق اختلاف) می‌باشد. از روی این دو شاخه و ضرورت قبول تغییرهای کیفی حول آنها، به روشنی می‌توان استحاله ناپذیری ماهوی این رژیم را - چه با خمینی و چه بدون خمینی - دریافت. همچنین به روشنی می‌توان دریافت که با این رژیم و در چارچوب این رژیم هیچ راه حل و راه نجاتی متصور نیست و استقرار صلح و آزادی و خالصت سردمی در گرو تنها جانشین مشروع و مردمی یعنی شورای ملی مقاومت ایران از طریق ارتش آزادیبخش ملی است که در زمان مناسب به وظیفه میبندی و مردمی خود یعنی سرنگون کردن و ریشه کنی دشمن شد سردمی قیام خواهد نمود .

ارتجاع زهر خورده و از دخیل بستن های وابسته گروایانه رژیم صاحب مرده سر سوزنی خیر و خوشی غایب مردم خواهد شد. در واقع رفسنجانی و باند آخوند - سرمایه دار وابسته گروای مربوطه کاملاً کور خوانده‌اند و نمی‌دانند که اگر رژیمشان با حذف این یا آن باند دیگر در درون خود راه حلی داشت و به این سهولت می‌توانست با دخیل بستن به شیطان بزرگ از ورطه هلاکت نجات یابد، خمینی که خودش سر دسته همه ارادتل بود و از هیچ جرم و جنایتی نیز ابانداشت، آنچه را اینان در آینده می‌بینند در خشت خشم می‌خوانند و پیشدستی می‌نمود. به عبارت دیگر اگر درد رژیم چنین درمان هایی داشت و راه نرفشای باقی مانده بود، خمینی خودش آن راه را از فردای آتش بیس در می‌نوردید و ابتکار آن را برای امثال رفسنجانی باقی نمی‌گذاشت. هنر ضد مردمی و ضد انقلابی خمینی در بلوکه کردن و قفل و قلاب نمودن اوضاع بود، چون به خوبی می‌داند که در غیر این صورت چه خطراتی در راهست، و الا خودش در دخالت و توجیه کاری و درست کردن کلاه شرعی بد طولانی داشت و سرآمد اقزان بود. اما بقایای مفلوک و بیچاره او توان قفل کردن وضعیت و به رکود کشاندن محیط سیاسی شان را نیز ندارند و ناگزیر قدم در راهی گذاشته‌اند که اگر نتیجه و حاصلی می‌داشت، خمینی خیلی زودتر از آنها آن را طی کرده بود .

مسئول شورای ملی مقاومت در جواب به سوال دیگر " صدای مجاهد " در باره امکان استحاله پذیری رژیم گفت: برخلاف همه نظرات سطحی و محدود، مقاومت ایران پیوسته هرگونه احتمال استحاله پذیری و نرم در چارچوب این رژیم را رد کرده و این حقیقت به کرات طی سال های گذشته به اثبات رسیده است. اکنون نیز به جد و بیش از همیشه بایستی بر این حقیقت تاکید کرد که پیش روی بقایای رژیم خمینی چشم اندازی جز سرنگونی بدست ارتش آزادیبخش

تقسیم قدرت ...

از صفحه ۸

می‌داند که نمی‌تواند با هیچگونه رفتار و گفتاری جای خالی خمینی را پر کند. این خمینی بود که با نقشی که داشت، توارن قوا را در هر مرحله بسود حل مقطعی مشکلات رژیمش بهم می‌زد. امروز رفسنجانی در توازن قوا ی جدید، فقط می‌تواند با اختلاف هر چه بیشتر صدای جناح های مخالف دروسی را خاموش کند. اما او با هیچ ترفندی قادر نیست صدای انقلاب و مقاومت انقلابی که خود را بر لوحظات تعیین سرنوشت آماده می‌کند، خاموش نماید .

تفسیری از رادیو مسکو

از صفحه ۵

می‌دهد و کمافی السابق به نحوی خشن در امور داخلی آن دخالت می‌کند. رفت و آمد دائمی ناوهای جنگی آمریکا در طول کرانه ایران در خلیج فارس، تهدید واشنگتن در مورد به کار بردن قدرت علیه ایران نشانه‌هایی از یک چنین سیاست است. نامه ۱۸۶ تن از نمایندگان کنگره آمریکا نیز بعنوان وزیر امور خارجه آمریکا و دعوت آنها برای اعلام تحریم کامل ایران و برقراری نظام جمیع معینی در این کشور گواه بر این امر است .

دربند خمینی

شماره (۲)

همه ما از رفتن سعد و به ویژه خودم، ازدجاسی ما او ناراحت شیم. یک هفته بعد دادیار برای رسیدگی به پرونده‌ها آمد و تله تله بجهها را برای بازجویی نزد او بردند. عصر نوبت من رسید و بساز دوباره همان سوالها تکرار شد و ضمن این چند کشیده و مشت نیز شام شد. با مشت و لنگه مرا از اتاق بیرون بردند و به سلول باز گردانیدند. چند روز بعد همان دادیار به بند آمد و اساسی تعدادی را خواند و گفت که وسالشان از جمع کنند و سپس آنها را با خود برد. فردای همانروز ما را نیز به بند یک انتقال دادند. در آنجا جمعا ۱۵ نفر بودیم، بعدها درافسبم که تعدادی از زندانیان را به سزای برده‌اند که سعد منصور و عادل مقعودی نیز در میان آنها بودند که از این جمع ۲۳ نفر را آزاد و بقیه را برای دادگاه نگه داشته بودند. وضع غذای زندان خیلی فلاکت بار شده بود. به جای نان، خرده نان های کلفتی می‌دادند که مثل سنگ سخت بودند. ما آنها را داخل آب می‌گذاشتیم ولی بازهم نرم نمی‌شد و قابل خوردن نبود. سیحانه به هر نفر یک قاشق مویزای پوسیده پرتقال یا هندوانه می‌دادند که کسی نمی‌توانست آنرا بخورد. به جای شام نیز آنگوشی می‌دادند که آب خالی بود. ما در این رابطه اعتراض کرده وخواستیم که اجازه بدهند از خانه برایمان غذا بفرستند اما آنها قبول نکردند. در ماه رمضان گرفتن روزه اجباری بود و ما باید ساعت ۲/۵ شب بیدار می‌شدیم برای سحری وهمچنین نظاری آنگوشت با عدس بلوهمی‌دادند و در طول روز کسی حق خوردن چیزی را نداشت. بعد از مدتی اطلاع پیدا کردیم که دادبان و رضا تنکجه گر شب هنگام به کمین پیشمرگان افتاده‌اند، رضا کشته و دادیار دستگیر شده است. تمام زندانیان از این موضوع خوشحال شدند. اواخر بهمن ۱۳۵۷ آخوندی که برای تبلیغات آمده بود در ضمن فعالیت‌های علیه نیروهای انقلابی و اعلام دستگیری بی‌شمارگانی که اعتراف کرده، چندین نفر از "اساداران" را با شلیک آری بی‌جی به شامین آنها، "شید" کرده، که بعدا حکم اعدام برایش صادر گردیده ولی "سه نظر" (آخوند) نباید آنها را اعدام کرد بلکه باید با چاقو تکه تکه گوشت بدنشان را برید و سپس آنها را داخل تنور سوزانید.

اوایل اسفند ۶۱ منوجه شدم که داخل دستنویسی نوشته شده "کل اعدام شد" من و دوتا از رفقا که می‌دانستیم "کل" کینست، بسیار ناراحت شدیم. "کل" اسم ستعمار سعد منصور میان رفقای داخل زندان بود. پنج روز پس از این موضوع شی مسلا محمدی جنایتکار در حالیکه قرانی در دست داشت از من خواست سریع بیرون بیایم. بلند شده و اورگتم را پوشیدم. سکوت سنگینی بر سلول حکمفرما شده بود. دو پیرمرد هم سلول "ایت الکرسی" خوانده، سه روم فوت می‌کردند، چشم‌هایم را بسته، به حالت ماریش به اتاق بازجویی بردند. در آنجا یک نفر دیگر که معلوم بود در زده با لاتری از ملامحمدی قرار دارد شروع به حرف زدن کرد:

- به دست حکومت به اعدام شده‌ای، اگر اعتراف کنی ممکن است روی پرونده‌ات تجدید نظر شود و اعدام نشوی. پس جواب بده، با گروهلک... چه رابطه‌ای داشتی؟

- هیچگونه ارتباطی نداشتم.

- پس چرا حاج آقا میرا را لو دادی؟

- من او را لو ندادم.

..... شماها را باید مثل سگ تیرباران کرد.

و سبنامه داری بنویسی؟

- خیر و سبنامه ندارم.

- نمی‌خواهی با خانواده‌ات سلاقت کنی؟

- نه نمی‌خواهم.

دستام را از پشت با دست بند بسته و مرا به حالت ماریش به حیاط زندان و از آنجا به یک حیاط بزرگتر که بتل زندان بود، بردند. جلوتر از من یک زندانی دختر بود که می‌پرسید: "آخه من را کجا می‌برید؟ چکار کرده که باید اعدام بشوم؟"

من باور نمی‌کردم که اعدام کنند. چون نه اعتراف کرده و نه سحاگه شده بودم. حبس زدم که باید اعدام قلابی باشد. آنها می‌خواستند من از ترس سرگرد اعتراف کنم. به موازات اینکه جلوتر می‌رفتم من می‌توانستم صدای همهمه‌ای که به گوش می‌رسید را بهتر بشنوم. آنان تعداد زیادی از پاسداران و پاسداری جنایتکار رژیم بودند که برای تماشا می‌حلقه اعدام آمده بودند. هنگامی که از کنارشان می‌گذشتم یکی از آنان به من اشاره کرده وگفت: "اورگت این، سال

خودم را از روی یک تپه شی ریدف کردند و نور چراغهای ماشین را به سویمان گرفتند. سرم را بالا گرفتند و از زیر چشم بند دو نفر دیگر را نیز دیدم کسه در سمت چپ من قرار داشتند. اندکی بعد کسی شروع به سخنرانی کرد: "اساسی را که هم اکنون می‌خوانیم متعلق به ضد انقلابیونی است که در شهید کردن برادران اسلامی ما دست داشته و محکوم به اعدام شده‌اند. سعد منصور، عادل مقعودی، ابوبکر- مرادی، کبری مگری و ب. ف."

سپس ملا محمدی شروع به خواندن قرآن کرد. من از شنیدن اسامی سعد و ابوبکر سرادی تعجب کرده بودم. زیرا فکر می‌کردم سعد قبلا تیرباران شده و ابوبکر نیز اعتراضی نکرده و حتی دادگاه هم نرفته بود. فکر کردم شاید بر اساس قانونی که تازه تصویب شده بود و طبق آن دادیارها می‌توانستند خودشان حکم صادر کنند، عمل کرده‌اند. ولی با این وجود ۹۵ درصد احتمال می‌دادم که اعدام قلابی است. سرم را بالا نگه داشته و به سعد و عادل نگاه می‌کردم. پس از قرآن خوانسی پاسداران تکبیر گفتند و شعارهایی دادند. سعد شی خواست حرف بزند اما اجازه ندادند و اندکی بعد فرمان آتش داده شد. چند رگبار شلیک شد و سعد و عادل بدون کوچکترین صدایی به زمین افتادند. سپس به آنان تیر خلاص زدند و در این بین کبری مگری نیز که از دین این صحنه شوکه شده بود به زمین افتاد. پاسداران تکبیر گفتند و شعار می‌دادند. ما را به زندان بازگردانیدند و گفتند که فردا اعدامتان می‌کنیم. همیشه وارد بند شدم در جواب نگاه های پراز پرسشی که در سکوت به من می‌نگریستند، گفتم: "سعد و عادل را تیرباران کردند." هنوز بجهها فرصت نکرده بودند و امکانی نشان ندهند که در سنا شدت باز و ملامحمدی با فحش و تاسا وارد شد. بسا اشاره به ما گفت: "زود باشید بیایید بیرون." من و ابوبکر بیرون رفتیم. چشم‌هایمان را بستند و هر یک از ما را به سلول انفرادی بردند. تیراه ملامحمدی زندانیان را به یاد فحش گرفته بود. "غیوژها کسی به شما گفته اینها را به بند ببرید." در سلول محکم به نوشته‌ای افتاد که سعد روی دیوار نوشته و خارج از دیدن ما تمهاده بود. از تاریخی که او نوشته بود باقیمانده از ۱۰ روز زودتر از زمانی که به او اعلام نموده بودند اعدام کرده‌اند. پس از کمی جستجو سوراخی را که برای تماس با سلول بغلی شی تعبیه شده بود، پیدا کردم و پس از چند اظراف شروع به عوری زدن کردم اما کسی جواب نداد. که سلول سمت راست دختر شی بود که او را به اتهام همکاری با دستمکرات از سر مراسم نامردی به زندان آورده بودند. وی اظهار داشت که در این ماه ۱۲ نفر را در سخر اعدام کرده‌اند. شب هنگام دوباره با همان حالت سابق مرا به بازجویی بردند. ملامحمدی شروع به سوال کردن نمود:

- رفقات گفته‌اند که تو جز هشت... پیروده و اون حاج آقا میرا را لو داده.

- کسی این حرف را نمی‌زند و اگر گفته دروغ گفته.

- ... ما دقیقا می‌دانیم که در ارتباط با گروهلک... بودی و حاج آقا میرا را تو لو دادی به اضافه اینکه داخل دبیرستان اخلاص هم کردی.

مرا روی تخت تعزیر خوابانیدند و با کابل شروع به زدن کردند. پس از مدتی خود را به بهبودی زدم. دست نگاه داشتند و روزی با ما می‌بندیدند. اما منس و اکنتی نشان ندادم. ناگهان سوزش شدیدی مانسند اثر سوزن در سرانگشتان دستم احساس کرده و بسی اختیار تکان خوردم. آنان که متوجه شده بودند خود را به بهبودی زده بودم دوباره و... با شدت بیشتر شروع به زدن کردند. "... کلک می‌زنی؟ تکه، تکه‌ات می‌کنیم." هرچه زمان می‌گذشت و من چیزی نمی‌گفتم، تنکجه گران دیوانه تر شده و به طسرز و خشانم تیری کابل می‌زدند. با لآخره بهبودی شدم. پس از بهبودی امس همان سولات تکرار شد و من همان جواب ها را دادم. "بدر... تا موقع اعتراف بایسد زیر تعذیر بمانی." و باز هم حدیث کابل بود و پسای زنجور من...

بعد از مدتی بهبودی آدمم. ملامحمدی گفت: "فعلا به سلول برش گردانید تا خواب فکرت را بکنند." گف باهایم شکافهای عمیقی برداشته بود و به شدت خون ریزی می‌کرد. به روی زانوهای حرکت می‌کردم. آن شب از شدت درد خواب به چشم‌مان راه نیافت و صبح دربیافتم که خون ادرار می‌کنم. شب بعد بازهم مرا به بازجویی بردند. ملامحمدی پرسید:

- می‌دانی اگر جواب درست ندی، چی در انتظارته؟

... چرا روی دیوارهای دبیرستان شعار می‌نوشتی؟

- من شعاری نبودم.

"بدر... چرا دروغ می‌گی؟ ما گزارش دقیق داریم." شروع نمی‌کنیم.

"در تاریخ ۶۱/۸/۶۱ با کی و چطور می‌شد انقلابیون

همکاری کردی؟"

- من با ضد انقلابیون همکاری نکرده‌ام.

"... تو هیچوقت آدم نمی‌شی."

مرا روی تخت تعزیر بستند و شروع به زدن کردند. نفری که روی سینه‌ام بنشسته بود با مشت به سرم می‌کوبید. دردی دیگر بار آغوش سینه‌ام کش را به زویم کشوده بود و مرا تنگ در خود می‌فشرده. پس از مدتی فقط اینرا فهمیدم که اب به زویم می‌بایستند.

"خوب اعتراف می‌کنی یا بازهم شروع کنی؟" در جواب گفتم: "من را بیخود گرفتند."

این بار به شکم مرا خواباندند و ضربات کابل را بهایم را با آماج ضربات خود قرار دادند. از شدت درد سرم را به تخت می‌کوبیدم. سپس شروع به زدن به پشت کردند. هر ضربه‌ای که فرود می‌آمد، راه نسیم را می‌بست با لآخره شوق شده، گفتم: "بدر... در غیر این صورت می‌کشیم." تمام وجودم را تنفر و خشم نسبت به این هیولای انسان نما در بر گرفته بود. اشک‌ها کردم که پارچه را از دهانم در بیآورند. به محسورد اینکه پارچه را از زخم‌هایم بیرون آورند با تمام نیرو فریاد کشیدم: "مرکز خمینی، مرکز خمینی..."

ملا محمدی مثل حیوانها دو سه مشت به سرو صورتم حواله کرد و سپس کابل را گرفته، خودش با تمام توان شروع به زدن کرد. تنها چیزی که از آن لحظات بیاد دارم صدای است که می‌گفت: "داره می‌میره"، این پدروخته باید بمیره."

هنگامی که بهبودی آدمم فکر می‌کردم بازهم سرا شکنجه خواهند کرد. اما صدای کسی نمی‌آمد، سرم را بلند کردم و متعجبانه دریافتیم که تنها داخل سلول افتاده‌ام. نمی‌توانستم بیاد بیآورم که چه موقع مرا به سلول باز گردانده بودند. سر تا سر بدنم درد می‌کرد و پاها و رانهایم باد کرده و ترک برداشته بود. اما در پشتم بیش از بقیه جاها مرا عذاب می‌داد. سرانگشتیای دستم نیز در اثر فرورفتن سوزن خوشی شده بود و سوزش شدیدی به هم راه داشت. صبح دو تن از زندانیان زود بازوهایم را گرفته و به دستنویسی بردند. آنجا بازهم خون ادرار کردم. شروع راه آن گفتم. پاسخ دادند: "اگر اعتراف می‌کردی این بسلا سرت نمی‌شد." ساعتی بعد یک دکتر با ساک وسایل وارد سلول شد. لازم به تفکر است که دکتر از خود اطلاعات بود و وی زخمهای بدنم را با نسیان کسید و وگفت: "خیلی کابل خوردی، چرا اعتراف نکردی، اگر اعتراف می‌کردی، تعزیر نمی‌شدی." در جواب گفتم "من یک محملم و از چیزی اطلاع ندارم که اعتراف کنم." مقداری قرص و کپسول به من داد. دوروز در میان نسیان را نوش می‌کردند ولی بازهم زخمهایم که چرکی شده بود، بهبود نمی‌یافت.

از رفقای بند اطلاعاتی نداشتم. بگور به زندانیان گفتم که وسایلم را از بند قبلی برایم بیآورند. او قبول کرد و شب کبدم را آورد. آنرا در جستجوی یک ناسه احتمالی از طرف بجهها به هم ریخته اما چیزی پیدا نکردم. ناگهان فکری به نظرم رسید. تقویمی را که داخل کیفم بود درآورده و اطلاعات لازم در مورد وضعیت خودم را به وسیله رمز عددی که من و رفیقم قرار گذاشته بودیم، داخل آن نوشتیم. سپس سه زندانیان که فرد بیسوادی بود و عبدالله افغانسی لقب داشت گفتم: "این تقویم به رفیقم تعلق دارد و توئی کیف من ما مانده‌اگر ممکنه برایش بنویس." وی تقویم را از من گرفت. هم‌اهاش به این فکر می‌کردم که چه پیش خواهد آمد. ظهیر از او راجع به تقویم سوال کردم. وی در جواب گفت که آنرا به رفیقم تحویل داده و بدین ترتیب توانستم وضعیتم را به بجهها گزارش کنم. پس از ۲۵ روز مرا به یک سلول دیگر انتقال دادند. پنج روز در آنجا (سلول ۲) ماندم و سپس به سلول ۹ که دو نفر دیگر در آنجا بودند، انتقال یافتیم. در آنجا توانستم از طریق سابلوهای بغلی با رفیقم تماس گرفته و از رسیدن تقویم مطمئن شوم. شب هنگام نامه‌ای برای او نوشتم و در آن خبرهایی راجع به سلول ها و غیره یادداشت کردم. صبح موقعی که مارا به دستنویسی می‌بردند، به دلیل اینکه من لنگان، لنگان راه می‌رفتم زندانیان به هم راه دو نفر از هم سلولهای هام جلوتر از من قرار گرفتند. من از این فرصت استفاده کرده و نامه‌ی رمز را که داخل جعبه‌ی کبریت قرار داده بودم، از پنجره‌ی بند ۲ به داخل بند پرت کردم.

ادامه دارد.

توضیح نبرد خلق:

"در بند خمینی" بر اساس گزارش یکی از رفقا از دوران ۱۶ ماهه امارتشان تنظیم شده است. این رفیق که بعدها به نیروهای سازمان ما در نوار مسزوری می‌پیوندد، با زبان ساده دوران اسارت را شرح می‌دهد، در متن فوق ضمن حفظ مضمون گزارش این رفیق، تغییراتی در شکل آن صورت گرفته است.

دورسانه‌های خبری جهان

امریکا تجدید نظر در استراتژی خود با
ایران را رد می‌کند

سه شنبه ۵ سپتامبر ۸۹
روزنامه واشنگتن تایمز

پنک مقام بالای وزارت امور خارجه دولت جدید
ایران، روز گذشته طی مصاحبه‌ای اظهار داشت که
امریکا چندین نامه از طریق روابط‌های خود به ایران
فرستاده است. او اظهار تمایل به بهبود روابط
ایران و امریکا کرد.

روزنامه تهران تایمز از قول علی محمد بشارتی
سمان وزارت امور خارجه ایران نوشت که این نامه‌ها
در مورد روابط ایران و امریکا و همچنین اوضاع لبنان
بوده است.

آقای بشارتی به این روزنامه انگلیسی زبان گفته
است که "در حال حاضر هیچ اقدامی توسط ما بجز
جریان عمل نیست". اما چنانچه واشنگتن پیوسته
"خصوصیت خود علیه ایران" خاتمه دهد، "فکر
می‌کنم که مسئله گروگان‌ها حل شود و تمامی
گروگان‌ها اسکان داده که آزاد شوند." او اضافه کرد
که پایان بخشیدن به خصوصیت با ایران می‌تواند نتیجه
مثبتی برای سراسر دنیای اسلام داشته باشد.
مقامات رسمی کاخ سفید اینبار بیشتر از حسد
معمول تلاش کردند تا گزارش تهران تایمز معنی هر
اقدام امریکا به روش جدیدی برای حل مشکلات را
رد کنند.

مارلین فیتزواتر (سخنگوی ریاست جمهوری)
هنگامی که بوش را که پس از ۲۰ روز تعطیلات از
ایالت مین به واشنگتن باز می‌گشت، همراهی می‌کرد
گفت: "هیچ پیغام و پیشنهاد جدیدی وجود نداشته
است. مارلین فیتزواتر، با اشاره به تلاش‌های
دیپلماتیک ماه گذشته امریکا برای نجات جان چورف-
سی سی پیو گفت: "پیشانی که به ایران داده شده
همان است که من چند هفته پیش گفتم یعنی مذاکره
دولت به دولت و از طریق یک رابط سوم". در آن زمان
یعنی یک ماه پیش امریکا می‌گفت که توسط سوشلیس
و الجزیره به ایران پیغام می‌فرستاده است. تحقیقات
حاکمی بر آن است که مقامات ایرانی در مورد همین
اقدامات امریکا که بدنبال آن دولت جدید رفسنجانی
تشکیل شده و توسط مجلس ایران تصویب گشت،
صعیت می‌کنند.

بنا به گفته آقای بشارتی این نامه‌ها از طریق
سفارت سوشلیس که نمایندگی منافع امریکا در ایران
می‌باشد و همچنین از طریق کشورهای چونی ژاپن بوده
است. به گفته او آخرین نامه سه هفته پیش
دریافت شده است.

صبا زاده یعقوب خان، وزیر امور خارجه پاکستان،
در اواسط ماه اوت به تهران سفر کرد و در مورد
افغانستان و گروگان‌های غربی با ایران مذاکره کرده
است.

آقای بشارتی گفت "ایران هیچگاه کنیا به امریکا
پاسخ نداده است" اما شفاها از طریق فرستاده‌های
خود پاسخ داده است. او گفت که دو طرف در مورد
عادی شدن روابطی که در سال ۱۹۸۰ از بین رفته بود،
صحبتی نگرفته است.

آقای بشارتی با ستایش از دولت بوش گفت که
سعی دارد موافقی را که سر راه روابط بهتر بین
دو کشور است را از میان بردارد.

بشارتی گفت که بوش برای نشان دادن حسن نیت
به ما بایستی که دخالت‌های قبلی دولت امریکا در
امور ایران را خاتمه دهد و داری‌های ایران در
امریکا را که در اختیار دارد آزاد کند. بشارتی
گفته‌های قبلی دولت ایران را تکرار کرد.

او گفت که برخلاف تبلیغات غربی، خواسته ما
از امریکا مسئله اصول و پرتسب است و نه اینکه ما
به این پول خیلی احتیاج داشته باشیم و با اینکه
برای برنامه‌های بازسازی کشور به قطعات بزرگی
احتیاج داشته باشیم.

آقای بشارتی گفت که ایران تلاش‌های بی نظیری
برای برنامه‌های بازسازی می‌کند و اینکه "این مقدار
پول در مقابل آنچه ما برای برنامه‌های خود اختصاصی
می‌دهیم مبلغ قابل توجهی نمی‌باشد".

ایران در گذشته شرط پرداخت اموال ایران توسط
امریکا را برای کمک به آزادی گروگانها رد کرده بود.
آقای بوش هر نوع عملی را که شکل خریدن آزادی
گروگانها باشد رد می‌کند و در مقابل از ایران انتظار
دارد که با آزادی گروگانها "اعلامی خوب و روشن"
برای ایجاد روابط دو کشور نشان دهد.

مذاکرات مستقیم میان ایران و امریکا موضوع
بسیار حساسی است. به نظر گرفته می‌شود که برای سال
۱۹۸۷ که مشخص شد و همچنین برای آزادی گروگانها
به ایران اسلحه می‌فروخته‌اند و دولت ریگان از این
جریان به لرزه افتاد.

دستگیری گم‌شده خانواده‌های زندانیان سیاسی در گورستان بهشت زهرا

طبق اخبار رسیده از داخل ایران به دنبال اعدام
صدها زندانی سیاسی در هفته‌های اخیر صبح امروز
گروه کثیری از خانواده‌های اعدام شدگان و زندانیان
سیاسی در گورستان بهشت زهرا تهران اجتماع
نمودند و با شعارهایی علیه بقایای رژیم خمینی بساد
شهدا و زندانیان سیاسی را گرامی داشتند.
لحظاتی پس از شروع اجتماع مروری بر پاسداران
سرکوبگر به دستور مستقیم رفسنجانی به گورستان
مریور هجوم آورده و با تیراندازی و ضرب و شتم
در صدد پراکنده نمودن جمعیت برآمدند و صدها نفر
از شرکت کنندگان در این مراسم که اکثر آنان را زنان
و مادران سالخورده تشکیل می‌دادند دستگیر نمودند.
پاسداران تعدادی کودک خردسال را نیز به همراه
دستگیر شدگان با خود بردند. از سرنوشت دستگیر
شدگان اطلاعی در دست نیست. ۱ سپتامبر ۸۹
دفتر مجاهدین خلق ایران - بغداد

کمه‌های مالی رسیده

دوستان و رفقای زیر، کمه‌های مالی شما رسید	
۱۲۰ دلار در ۴ نوبت	آقای رالف از تکوان
۲۰۰ دلار	آقای ب سی
۸۸ دلار	آقای غ ب از کالیفرنیا
۳۸ دلار	آقای ا ن از کالیفرنیا
۱۰۵ دلار در سه نوبت	خانم م م از جورجیا
۱۱۰ دلار در ۲ نوبت	آقای ا ط از ویرجینیا
۳۵ دلار	آقای ا ج از ویرجینیا
۳۵ دلار	آقای ر ج از ویرجینیا
۲۰ دلار	آقای ر ا از جورجیا
۲۰ دلار	فرانسیس موراسوسکی از ویرجینیا

اخبار و رویدادها...

استول شورای ملی مقاومت و فرمانده کل ارتش
آزادبخش ملی ایران در خاتمه از روسا و رهبران
کشورهای عضو جنبش عدم تعهد خواست تا این تبه‌ت
ارزشمند را از لوت وجود بازماندگان رژیم جنایتکار
خمینی پاک نموده و در استقرار دیرپای صلح، آرامش
و دوستی در منطقه با مردم ایران تشریک مساعی
نمایند.

اعلام آمار اعدام شدگان توسط عقو بین المللی
عفو بین الملل در روز چهارشنبه ۲۹ شهریور،
آمارهای اعلام شده، طی اول سال میلادی جاری

محمد جواد لاریجانی مشاور وزیر امور خارجه
رژیم در گفتگویی با خبرنگاری رژیم که قسمتی از آن
در کیهان روز ۱۹ شهریور اسام چاپ شده در مورد
رابطه با امریکا می‌گوید: "روابط ایران و امریکا سه
یکی از مسائل مشهور در مباحث سیاسی فنی و فخر فنی
تبدیل شده است. بعضی‌ها بر این عقیده‌اند که در
انجاد ارتباط، امریکا باید قدم اول را بردارد و برخی
نیز معتقدند که اگر این روابط برای ایران مفید باشد
وظیفه شرعی نظام است که برای برقراری آن تلاش
کند چه قدم اول و چه قدم دوم باشد".

مردم ایران
رژیم خمینی در محابله
اسرای جنگی به استکمال مختلف
کارشکنی می‌کند با عوارض متحد و یکپارچه خود
رژیم خمینی را عبور به قبول عبادت کامل
اسرای جنگی نمایند.
سجفغا - پیرو برنامه (هویت)
واحد فدایی شهید منصور اسکندری

کارگران و کارمندان ایران
برای آزادی شکل‌های
کارگری و کارمندی برای انحلال انجمنهای
ضد کارگری و برای توقف انتشار رید انبان
سیاسی با خرید، منعقد شوید، مبارزه
علی‌حانه انقلابی بی‌بوندید و رژیم خمینی
را سرنگون سازید.
سجفغا - پیرو برنامه (هویت)
واحد فدایی شهید منصور اسکندری

مردم قهرمان ایران
شرکت نکردن در انتخابات فرمایشی
ریاست جمهوری گام مثبتی در جهت سرنگونی رژیم
خمینی و استقرار صلح و آزادی می‌باشد.
هرچه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی
رژیم خمینی. پیرو برنامه (هویت) واحد فدایی شهید منصور اسکندری
سجفغا

اخبار و رویدادها....

برخی از رویدادهای تاریخی



در برابر تندرمی هستند خانه را روشن می کنند و می میرند.

شهادت فدایی
هر ماه

رفقای فدایی:
جنگیز قبادی - محمد علی سالی - سید نورادی حسن
حامدی مقدم - غلامرضا صفری - حسین علیسی زاده -
رحمت شریفی - حسن جلال نائینی - لقمان مداشن -
جهانشاه سمعی اصغهبانی - محمد رضا قرشاد - زینلا
سیاب - پروین فاطمی - اسماعیل بید شهری - زهرا
بید شهری - مصطفی رسولی - مهرانوش ابراهیمی -
منوچهر بهایی پور - سید احمد لاری - کرامت قبادی -
سیامک آسپهان (اسکندر) - مسعود بزبیری - علیرضا
صفری - فریبا شفیعی - ابراهیم شفیعی - علی حسن
پور - محمد کس نژادی - قلامحسین وند نژاد - پرویز
عندلیبان - خیرالله حسن وند - مهدی خانزاده -
محمدالله یزدانی - علی محمد نژاد - مریم توسلی -
فاطمه روغن چی - عزت الله معلم - سید ربیع حسینی -
رمضان قربانی - شهسوار صفیعی - جعفر دلیر - بهرام
بلوکی - روح الله الماسی - غلامحسین مجیدی - احمد
سلیمانی - عباس کودرزی - حسن سعید - حسن جان
لنگوری - کامران علوی - فرشید فرجاد - احمد کبانی -
از سال ۵۰ تا کنون در پیکار علیه امپریالیسم
و ارتجاع و برای رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران
رژیم های شاه و خمینی به شهادت رسیده.

بیادرفیق اسکندر



با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه
انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما
نیازمند است.
کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد ، با
استقامت بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی
سازمان مندرج در همین صفحه تشریح و آریز کنید
و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی
سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی جدید

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE
نام بانک
BOULOGNE - S - SEINE
آدرس بانک
03760
کد گشته
00050097851
شماره حساب
MME: R.T_TALAT
نام صاحب حساب

داخلی: مهر ماه

۲۸ مهر ۱۳۴۸ - تولد ستار خان، سردار ملی جنبش
مشروطیت ایران

۲۴ مهر ۱۳۴۷ - تشکیل نخستین گروه سوسیال دموکرات
در تبریز

۹ مهر ۱۳۰۰ - شهادت حیدرخان عمواغلی از رهبران
برجسته حزب کمونیست ایران

۱۱ مهر ۱۳۰۰ - شهادت کلنل محمد تقی خان پسیان
۲۴ مهر ۱۳۱۸ - شهادت فرخی بزدی، شاعر انقلابی
وسرمدی تاریخ معاصر ایران

۱۰ مهر ۱۳۲۰ - اعلام موجودیت حزب توده ایران
۲۴ مهر ۱۳۲۰ - تصویب قانون عفو عمومی زندانبانان
سیاسی در مجلس دوازدهم

۱۳ مهر ۱۳۲۶ - امضای قرارداد های نظامی بین دولت
شاه و آمریکا برای افزایش نفوذ امپریالیسم آمریکا
در ارتش شاه

۲۲ مهر ۱۳۲۸ - تشکیل جبهه ملی توسط دکتر محمد
مصدق

۲۴ مهر ۱۳۳۱ - قطع مناسبات سیاسی بین دولت ایران
و انگلیس توسط دولت دکتر مصدق

۲۹ مهر ۱۳۳۲ - رسمیت یافتن موافقت نامه ساعده
در بیفوس که به موجب آن ژاندارمری برای "تجدید
حیات" در اختیار افسران آمریکایی قرار گرفت.

۱۶ مهر ۱۳۳۲ - امضای ولین تظاهرات مردم بعد از
کودتای امپریالیستی ۲۲ مرداد ۱۳۳۲

۲ مهر ۱۳۳۲ - امضای قرارداد های جدید رژیم شاه با
دولت آمریکا برای ورود هرچه بیشتر کالاهای
آمریکایی به ایران و معالمت وارد کنندگان از حقوق
گمرکی

۲۷ مهر ۱۳۳۳ - تمبربان نخستین گروه از افسران
سباز و وابسته به حزب توده

۱۹ مهر ۱۳۳۴ - پیوستن رژیم شاه به پیمان سنتو توسط
دولت علا

۱۸ مهر ۱۳۳۷ - اعتصاب ۵ روزه کارگران بندر شاهپور
برای اضافه دستمزد

۱۲ مهر ۱۳۴۴ - آغاز محاکمه متهمین به ترور شاه
در کاخ مرمر

۱۷ مهر ۱۳۵۰ - شهادت رفقا همایون کتیرایی ، هوشنگ
نزه گل، ناصر کریمی ، بهرام طاهر زاده و ناصر مدنی
از گروه آرمان خلق در صفحه ۳

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات
سازمان در آمریکا و کانادا با آدرس زیر
مکتبه کنید.

HOVE, YAT
P.O. BOX 2891
RESTON, VA 22090
USA

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات
سازمان با آدرس زیر مکتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

آزادی دکتر علاء الدین نوران
ظهر روز ۱۴ شهریور ۶۸ دکتر علاء الدین نوران،
که توسط پلیس آمریکا بازداشت شده بود، از زندان
آزاد و مورد استقبال گروه کثیری از هوطناسان در
لوس آنجلس قرار گرفت.

درباره ترور بهمن جوانی
رادیو کومله در برنامه روز ۶ شهریور جاری خود،
اطلاعیه کمیته مرکزی " حزب کمونیست ایران" را
فراغت نمود. در این اطلاعیه آمده است: " روز شنبه
۲ شهریور رفیق غلام کشاورز (بهمن جوانی) چهره
برشنام جنبش کمونیستی ایران که برای دیدار
بستگانش به قبرس رفته بود در شهر لارناکا مورد
سوء قصد مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفت. وی طی
دوره فعالیت خود در حزب کمونیست مسئولیت های
متعددی را از جمله عضویت در دوره دوم کمیته مرکزی
حزب بعهده داشت. در سال های اخیر رفیق غلام
کشاورز عمدتاً در عرصه خارج از کشور فعال بود و
آخرین فعالیت او عضویت در هیات موسس فداسیون
شوراهای پناهندگان ایرانی و گوشش برای پایه گذاری
این فداسیون بود. "

در باره ترور صدیق کمانگر
رادیو کومله در برنامه روز ۱۴ شهریور جاری خود
اطلاعیه کمیته مرکزی کومله را پخش نمود. بر اساس
این اطلاعیه ساعت ۲ پاسداد روز ۱۳ شهریور قلیوب
صدیق کمانگر با حمله جنایت کارانه یک خائن مزدور
جمهوری اسلامی از طیش افتاد. صدیق کمانگر در
شرایطی مورد این حمله جنایت کارانه قرار گرفت
که چند لحظه پیش از آن کار نوشتن گفتار برای صدای
انقلاب ابر آن را تمام کرده بود و از اطاق کسارش
بیرون آمده بود. صدیق کمانگر از بنیان گذاران حزب
کمونیست ایران و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست
و عضو کمیته مرکزی کومله بود و بیش از یک سال
مسئولیت هدایت صدای انقلاب ایران را بعهده داشت.

کمیسیون فرعی حقوق بشر ملل متحد از نقض حقوق
بشر در ایران ابراز نگرانی کرد
خبرگزاری رویتر در تاریخ جمعه ۱۰ شهریور
جاری در مورد نقض حقوق بشر از جانب رژیم خمینی
خبر زیر را مخابره نمود: " کمیسیون فرعی حقوق
بشر ملل متحد ضمن ارائه فهرست تکان دهنده ای از
سوارده نقض حقوق بشر در ایران به ویژه نسبت به
موج اقدام های خودسرانه ابراز نگرانی کرده و
جمهوری اسلامی را " مبرانه " ملزم نمود که بنا
نمایند و ویژه آن سازمان همکاری نماید. در قطعنامه ای
که پنجشنبه شب طی رای گیری مخفی با ۷ آرای موافق
در مقابل ۳ رای مخالف و ۲ رای ممتنع به تصویب رسید
کمیسیون مزبور نگرانی عمیق خود را نسبت به نقض
شدید حقوق بشر در ایران ابراز می کند و ناتوانی
آشکار سیستم قضایی ، دستگیری های گسترده و سوارده
متعدد بدرفتاری و شکنجه در حین اسارت را مورد
انتقاد قرار می دهد.

بر اساس گزارشاتی که در اختیار کمیسیون فرعی
در صفحه ۴